



... فهرست ...

نگاه استادان

۲... کتاب کار دانشجویی

دانشگاه ما

۴... آزادی با دنیا پرستی همخوانی ندارد

۱۰... نگاهی بر دوره ی دکتری در غرب

۱۱... اخبار دانشگاه

۱۲... ذره بین

فرهنگی

۳... صله رحم مجازی

فناوری

۵... سنسور

تاریخ

۶... از ازل ایل و تبارم همه عاشق بودند

۷... فرزندان ابو سفیان

سلامت

۸... اسلام دین پاکی ها

ادبیات

۹... ایاک بابایی و ایاک بابایی



هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه ی اسلامی ماجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام، زنده ی به عاشورا و به حسین بن علی (علیه السلام) است. همان طور که فرمود: «و انا من حسین»؛ بنا بر این معنا، یعنی دین من، ادامه ی راه من، به وسیله ی حسین (علیه السلام) است. اگر حادثه ی عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی می شد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی ماند. عظمت عاشورا به این است. البته مصیبت در عاشورا سنگین است، خسارت بزرگ است، جان کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) به همه ی آسمان و زمین می آرزد، جان های پاک و طیب و طاهر آن اصحاب، آن جوانان، آن اهل بیت، قابل مقایسه ی با جان هیچ کس دیگر نیست؛ اینها در این میدان به خاک و خون غلتیدند، فداکاری کردند، فدا شدند، حرم معزز پیغمبر و امیرالمؤمنین به اسارت افتادند؛ این حوادث خیلی سنگین است، خیلی تلخ است، خیلی سخت است، اما آنچه که بر تحمل این حوادث تلخ و سخت مترتب شد، آنچنان بزرگ است، آنچنان با عظمت و ماندگار است که تحمل این حوادث سخت را بر کسی مثل حسین بن علی (علیه السلام) و یاران او و خانواده ی او آسان می کند. این را بزرگان نقل کرده اند، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی (رضوان الله علیه) در مراقبات - که حرف ایشان سند است، حجت است - تأکید می کنند که در روز عاشورا هر چه مصیبت ها سنگین تر میشد، چهره ی حسین بن علی (علیه السلام) برافروخته تر، آثار شکفتگی در آن بزرگوار بیشتر آشکار می شد. این حقایق پرمغز، پر راز و رمز، اینها باید دائماً در مقابل چشم ما باشد.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و فعالان طرح «صالحین»

۱۳۹۱/۹/۱



دکتر نصرت نیل ساز در گفتگو با چشمه:

آزادگی با دنیا پرستی همخوانی ندارد

صفحه ۴



فرزندان ابو سفیان

صفحه ۷



صله رحم مجازی

صفحه ۳



کتاب کار دانشجویی

صفحه ۲

دانشگاه های ما نیازمند آموزه های متعالی حماسه عاشورا

انسان ها داشته است که یکی از آن پیام ها و درس ها، ارائه جلوه های از ظرفیت والای روح و روان آدمی است. اگر کربلا نبود آدمیان به هیچ گونه ای نمی توانستند به عظمت روح و ظرفیت فوق العاده انسانی پی ببرند. استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس در ادامه گفتند: امروز دانشگاه های ما می بایست ضمن برپایی مراسم عزاداری و اهتمام به شکل سنتی آن به عقلانیت و ظرفیت روحی والایی که از یاران امام (علیه السلام) در حماسه کربلا بروز و ظهور کرد اندیشه کنند. دانشگاه در طراز جمهوری اسلامی می بایست دانشگاهی باشد که خروجی آن انسانهایی با مناعت طبع، شجاع، حاکم و مسلط بر خواسته های پست دنیوی، و در یک کلام خداباور حقیقی باشند. به نظر می رسد امروز بیش از هر جای دیگر دانشگاه ها می بایست به آموزه های حماسه عاشورا دقت کنند و از آن بیاموزند



حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع در ابتدای جلسه شورای دانشگاه ضمن تسلیت ایام محرم الحرام و عزاداری سالار شهیدان گفتند: سیاه پوشی و عزاداری راه و رسمی بود که شیعیان از امامان معصوم (علیهم السلام) آموخته اند. ائمه (علیهم السلام) بویژه امام صادق و امام رضا (علیهم السلام) که در فضای نسبتاً باز سیاسی بودند، در برپایی عزاداری در ایام محرم تأکید فراوان داشتند. ایشان ضمن بیان احادیثی در زمینه لزوم عزاداری و فضیلت گریه برای امام حسین (علیه السلام) افزودند: باطن عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) بهجت و نشاط معنوی را در پی دارد. به همین خاطر است که پیامبر خدا (صلوات الله علیه) خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند: روز قیامت هر چشمی گریان است مگر چشمی که برای حسین (علیه السلام) گریه کند.

دکتر فلاح رفیع در ادامه تأکید کردند اما آنچه مهم است این است که ما می بایست در زمینه ابعاد حماسه کربلا تأمل و تفکر کنیم. این حماسه درس ها و پیام های بسیاری برای

سیامک شادکام

شمری که هست



گفت شمر زمانهات را بشناس. چه سخن خوبی. قطعاً درست نیست که بگوییم شمر کربلا مرده و الان شمر زمانهات کس دیگری است. شمر از ابتدا خلقت انسان بوده و هست. آن شاعر هم عصر با امام صادق (علیه السلام) چه خوب گفت که «کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا». تبری از شمر باید همیشگی باشد و در سرتاسر تاریخ باید لعن و تبری از آن به گوش برسد. از این رو است که ظهر عاشورا به خودی خود ارزش ندارد ولی خون حسین بدان ارزش می بخشد. بعضی سخنان را بارها شنیده ایم و تکرار کرده ایم ولی هر کدام از این کلمات برای خود بار معنایی بسیاری دارند. محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر، محرم اسلام را زنده نگه داشته است، پیروزی مظلوم بر ظالم و... اینها همگی نشان از یک تفکر دارند که در سرتاسر زندگی ائمه اطهار (علیهم السلام) روان و جاری است. باید برای خدا جنگید و در راه خدا همه چیز خود را فدا کرد. زندگی ابا عبدالله (علیه السلام) همگی اش برای ما می تواند الگو باشد. از کودکی آن بزرگوار تا لحظه شهادتشان از آنجا که در راه خدا گذشته همگی الگوست برای ما. به ما سبک زندگی می دهد، علم می دهد، بصیرت می دهد و معرفت... لذا مقام معظم رهبری فرمود: ماجرای عاشورا هم درس است؛ درس اقدام و نهراسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده حسین بن علی (علیه السلام) برمی آید؛ از عهده دیگری بر نمی آید و بر نمی آید؛ لیکن در دامنه آن قله بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش های گوناگونی هست که من و شما می توانیم انجام بدهیم.

## کتاب کار دانشجویی

دکتر علی فلاح رفیع

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

(قسمت اول)

دلا نزد کسی بنشین که او از دل خیر دارد  
به زیر آن درختی رو که او گل‌های تر دارد  
\*\*\*

در این بازار عطاران مرو هر سو چو بی‌کاران  
به دکان کسی بنشین که در دکان شکر دارد  
\*\*\*

ترازو گر نداری پس تو را زو رهنزد هر کس  
یکی قلبی بیاراید تو پنداری که زر دارد

امروزه اگر بگیم آقا، دانشجویی هم آدابی داره. شاید بعضی به این سخن ایراد بگیرند و بگویند آقا اینها حرف‌های قدیمی هاست. بله اینجاکه می‌رسد این حرف‌ها قدیمی می‌شه اما به یخچال و شیر آب که می‌رسه، آنجا حتماً باید در کنارش یک دفترچه‌ی آموزشی و طریقه نصب و کاربرد باشه. نه آقا در اینجا و نه تنها در اینجا که در هر جای دیگر ما نیاز به مهارت و کاربرد صحیح و اصولی داریم و هر چه کار مهمتر و حساس‌تر نیاز به مهارت ضروری‌تر و فوری‌تر. خدای متعال هم که برای ما انسان‌ها کتاب و پیامبر فرستاده، اگر بخوایم خیلی ساده بگیم و مطلب را پیچیده نکنیم پیامبر و کتاب او یعنی همان کاتالوگ و کتاب کار ما انسان‌ها برای اینکه چگونه از سرمایه عظیم انسانی خودمان نه تنها برای دنیای زودگذر بلکه برای ابدیت او بهره ببریم.



یک بنده خدایی می‌گفت رفتم بازار تا یخچالی بخرم، فروشنده وقتی یخچال را تحویل داد. یه دفترچه‌ای هم همراه اون بود. به او گفتم: آقا این چیه؟ گفت: این دفترچه طریقه‌ی کاربرد این دستگاه رو بهت یاد میده. خوب بخون و مو به مو رعایت کن. اگر این کارو انجام بدی یخچالت یا اصلاً خراب نمیشه یا خیلی زیاد برات کار میکنه. عمر مفید اون طولانی می‌شه. وقتی این صحنه رو دیدم یک لحظه با خودم گفتم: کاشکی من هم تو زندگی در هر مرحله‌ای از عمرم یا دست کم در عنفوان جوانی که پراز انرژی و نیرو، استعداد و ذکاوت بودم، اون موقعی که می‌تونستم کار کنم و نقشه برای آیندهام بکشم، یک کسی یک دفترچه اینطوری به من می‌داد و می‌گفت: آقا اگر می‌خواهی عمر مفید داشته باشی یا از این مقطع عمرت خوب استفاده کنی اینو بخون و سعی کن سفارش هاشو به کارگیری. آگه این کار رو بکنی از داشته هات بهترین استفاده رو می‌کنی و آینده ات رو بهتر می‌سازی. بله حقا اینطوره! نه تنها یخچال، که ماشین و موبایل هم که می‌خری دفترچه یا کاتالوگ همراه آن هست حتی یک شیر آب که تهیه می‌کنی طریقه‌ی نصب و کارکردش رو با اون تحویل می‌دن. امروزه از این کار با مختصری تفاوت تعبیر می‌کنند به دانش و مهارت، و به اصطلاح می‌گند ما یک «می‌دانیم که» (knowingthat) داریم، یک «می‌دانیم چگونه» (knowing how) یک وقت من می‌دانم دوچرخه را چگونه می‌سازند. یک وقت بلدم دوچرخه سواری کنم. این دو، با هم متفاوتند. خوب اگر اینطوره آیا دانشجویی سبک و شیوه و به اصطلاح کتاب کار و دفترچه نمی‌خواد؟! شاید بعضی در تردیدند که می‌خواد یا نمی‌خواد. ولی به نظر می‌رسه تردیدی نیست که می‌خواد.

سابق‌ها در حوزه‌های علمیه رسم بر این بود که هر طلبه‌ای که وارد حوزه علمیه می‌شد در همان مقطع اول و در ردیف کتاب‌های مقدماتی، یک کتابی هم بود به نام آداب المتعلمین؛ در این کتاب،

شرایط دانش جویی و متعلم بودن آمده بود که می‌بایست آن را بخوانند. جالب اینکه نویسنده‌ی این کتاب از بزرگترین علمای ما در علم منطق، ریاضیات، فلسفه و نجوم در دوران خود بود. یعنی «خواججه نصرالدین طوسی». امروزه اگر بگیم آقا، دانشجویی هم آدابی داره. شاید بعضی به این سخن ایراد بگیرند و بگویند آقا اینها حرف‌های قدیمی هاست. بله اینجا که می‌رسد این حرف‌ها قدیمی می‌شه اما به یخچال و شیر آب که می‌رسه، آنجا حتماً باید در کنارش یک دفترچه‌ی آموزشی و طریقه نصب و کاربرد باشه.

نه آقا در اینجا و نه تنها در اینجا که در هر جای دیگر ما نیاز به مهارت و کاربرد صحیح و اصولی داریم و هر چه کار مهمتر و حساس‌تر نیاز به مهارت ضروری‌تر و فوری‌تر. خدای متعال هم که برای ما انسان‌ها کتاب و پیامبر فرستاده، اگر بخوایم خیلی ساده بگیم و مطلب را پیچیده نکنیم پیامبر و کتاب او یعنی همان کاتالوگ و کتاب کار ما انسان‌ها برای اینکه چگونه از سرمایه عظیم انسانی خودمان نه تنها برای دنیای زودگذر بلکه برای ابدیت او بهره ببریم. نتیجه اینکه دانشجویی هم یک سلوک است و بلکه باید بگوئیم جزء مهمترین سلوک‌ها در زندگی هر انسانی متعلم و جویای علم است. این سلوک لوازم و ملزوماتی دارد، شرایط و آدابی دارد. اگر خواهان موفقیت هستیم، اگر خواهان رسیدن به مراتب بالای علم و معرفت هستیم اگر می‌خواهیم هر چه بیشتر برای خود و خانواده و کشور و انسانها حتی در اعصار دیگر مفید باشیم، سبک‌ها و شیوه‌های این سلوک را باید خوب بشناسیم و مهمتر از شناخت خوب به کار بگیریم.

ادامه دارد

# بدون اشراف بر ویژگی‌های انسان تربیت و پرورش امکان پذیر نیست

دکتر یعقوب فتح الهی

معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس



استاد کیست؟ استاد شدن چه ویژگی‌هایی دارد؟ اینها موضوعات بسیار مهمی است و اموری است که باید در دانشگاه ما به آنها پرداخته شود. مثلاً استادی در امری خبره است مثل آهنگری. این استاد زبردستی است، ابزارهایش را نگاه می‌کنیم می‌بینیم، چکش و کوره و ... است و یک ماده اولیه دارد و قطعه‌ای از ماده اولیه‌ای را با یک دید فنی انتخاب می‌کند و با این ابزارها و ادوات آن ماده اولیه را با فرایندی به یک ابزار تبدیل می‌کند. یک ابزار می‌سازد که از آن یک کار بر می‌آید. ماده اولیه در حالی که بالقوه تمام ویژگی‌هایی این محصول نهایی را دارد، ولی توانایی و کار ابزار را ندارد. یک استاد خبره و زبردست در امور تربیت، یک خمیرمایه در اختیار دارد که باید بطور کامل به آن اشراف داشته باشد و بداند با چه ابزار و روندی و برنامه و مهارتی روی این خمیرمایه کار کند تا در نهایت یک محصول بوجود بیاورد، که قادر به انجام فعالیت‌هایی باشد که قبلاً قادر پیدا کردن به این خمیر مایه، استاد باید ذکاوت خاصی داشته باشد، چرا که استاد با یک ماده معین با صفات یکسان و مشخص سر و کار ندارد. کار پیچیده است از یک طرف با تنوعی از خمیرمایه‌ها سروکار دارید و از طرف دیگر معلم یا استاد باید درون وجود فرد نفوذ کند تا استعداد ذاتی او را درک کند در غیر اینصورت کار پرورش انجام نمی‌گیرد.

یک استاد دانشگاه کار اصلی‌اش این است کاری کند که فرد با الفبا و مفاهیمی که در ذهنش نشسته، خلاقیت از خودش نشان دهد، یعنی نواندیشی انجام دهد. اندیشه‌ای که وجود ندارد را بوجود بیاورد. استاد دانشگاه چگونه باید کار کند تا خلاقیت و نوآوری بپروراند؟ شما یک زمینی را انتخاب می‌کنید، یک نهالی را انتخاب می‌کنید و یک اکوسیستمی را هم انتخاب می‌کنید و می‌گویید اگر این نهال را در این اکوسیستم بکارم، میوه‌هایی با این ویژگی‌ها و محصولات با این ویژگی‌ها خواهد داد. چرا این کار را می‌کنید؟ چون یک مقداری نسبت به آن دانه و ویژگی‌هایش و آن نهال و ویژگی‌هایش و ترکیبات آب و خاک آشنا هستید و اگر آن شرایط را مهیا کنید آن چیزی که درون این نهال است رشد می‌کند و خود را نشان می‌دهد. اما انسان که فقط این نیست چون نهال یک رشد و نمو براساس قواعد از پیش تعیین شده دارد. اما در مورد انسان اینطور نیست. وقتی ما در مورد قضیه استادی صحبت می‌کنیم با انسان سروکار داریم. این موجود و این خمیرمایه‌ای که باید پرورش بدهیم یک موجودی با ویژگی‌هایی پیچیده است که اشراف بر آن آسان نیست. اولین مقوله‌ای که در پرورش برای ما مطرح است، اشراف بر این موجودی است که قرار است او را بیورانیم و کار هر فردی نیست که اشراف پیدا کند به این موجود و اگر هم اشراف پیدا نکند و ارتباط حقیقی برقرار نکند، کار پرورش امکان‌پذیر نیست. آن قوه‌ی نامیه‌ی فرد را باید بتوانیم تحریک کنیم و این قوه هست فقط بعد رشدی آن نیست که بصورت فیزیکی ما به آن شاخ و برگ بدهیم. احساس و درک انسان چطور پرورش پیدا کند و اینکه شناخت و معرفت

**اولین مقوله‌ای که در پرورش برای ما مطرح است اشراف بر این موجودی است که قرار است ما بیورانیم و کار هر فردی نیست که اشراف پیدا کند به این موجود و اگر هم اشراف پیدا نکند و ارتباط حقیقی برقرار نکند کار پرورش امکان‌پذیر نیست. آن قوه‌ی نامیه‌ی فرد را باید بتوانیم تحریک کنیم و این قوه هست فقط بعد رشدی آن نیست که بصورت فیزیکی ما به آن شاخ و برگ بدهیم.**

**کردن به این خمیر مایه، استاد باید ذکاوت خاصی داشته باشد، چرا که استاد با یک ماده معین با صفات یکسان و مشخص سر و کار ندارد. کار پیچیده است از یک طرف با تنوعی از خمیرمایه‌ها سروکار دارید و از طرف دیگر معلم یا استاد باید درون وجود فرد نفوذ کند تا استعداد ذاتی او را درک کند در غیر اینصورت کار پرورش انجام نمی‌گیرد.**

**یک استاد خبره و زبردست در امور تربیت، یک خمیرمایه در اختیار دارد که باید بطور کامل به آن اشراف داشته باشد و بداند با چه ابزار و روندی و برنامه و مهارتی روی این خمیرمایه کار کند تا در نهایت یک محصول بوجود بیاورد، که قادر به انجام فعالیت‌هایی باشد که قبلاً قادر به انجام آن نبوده است. در اشراف پیدا**



سهیلا استیری

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان

## صله‌ی رحم مجازی



هنوز در خاطر بسیاری از ما مهمانی‌ها و رفت و آمدهای ساده و بی‌تکلف فراموش نشده است. روزگاری بود که هر پنجشنبه و جمعه و همچنین در تعطیلات اعضای خانواده‌ها و یا دوستان و آشنایان در کنار هم جمع می‌شدند و اوقات خود را به خوشی می‌گذراند. این دورهمی‌ها حلال بسیاری از مشکلات نیز بود بسیاری از کدورت‌ها در این دورهمی‌ها رفع و حل می‌شد. چند سالی هست که با فراگیر شدن تکنولوژی این دورهمی‌ها کمتر شده و رفت و آمدها رنگ مجازی به خود گرفته است. قطعاً کاهش رفت و آمدها بین خویشاوندان و دوستان دلایل متعددی دارد اما باید اذعان کرد که صله رحم هم قربانی فضای مجازی شده است.

دورهمی‌ها جای خود رو به گروه‌های خانوادگی در تلگرام داده است؛ در بهترین حالت دو گروه یکی خانوادگی پدری و دیگر خانوادگی مادری که مدیریت گروه با یکی از نوه‌هاست و نام گروه مزین با نام پدر بزرگ و مادر بزرگ است که هنوز موقع حرف زدن با تلفن هر چه قدر فاصله‌ی فرد پشت خط دورتر باشد بیشتر داد میزند تا صدایش برسد. برخی از افراد گمان می‌کنند همین که با هم از طریق شبکه‌های اجتماعی در ارتباط باشند، کفایت می‌کند اما آنچه که در این خصوص باید مدنظر داشت این است که جایگزینی فضای مجازی به جای رفت و آمدها چه پیامدها و دستاوردهایی را در پی دارد؟! و آیا ارتباطات مجازی می‌تواند جای صله رحم را بگیرد؟! البته کاهش رفت و آمدها تنها دستاورد و تاثیر فضای مجازی نیست. برخی اذعان دارند که کمیت ارتباطات به واسطه‌ی فضای مجازی افزایش داشته است اما در این افزایش مجازی ارتباطات، به ضرس قاطع می‌توان گفت رابطه از کیفیت خوبی برخوردار نیست و استیکرها توان انتقال معنا را ندارند. حتی فضای مجازی کیفیت رفت و آمدها را هم کاهش داده به این سبب که فرد در جمع حضور دارد اما غرق در

دنیایی مجازی هست و زمانی هم که می‌خواهد اظهار وجود کند و نشان دهد خوشحالی جمع برایش مهم هست در گروه خانواده‌ای که یکجانشین هستند پیام طنزی می‌گذارد که بیش از نیمی از جمع می‌خندند و مابقی که غریب به اتفاق آنها در خوشبینانه‌ترین حالت بالای ۴۰ سال دارند با تعجب نگاه می‌کنند. قطعاً برقراری ارتباط سریع و ایمن با فرد دیگری که در آن سوی مرزها است بسیار مفید محسوب می‌شود و حتی آن را می‌توان یکی از بزرگترین مزایای اینترنت دانست. اما در شرایطی که اعضای خانواده در کنار یکدیگر قرار دارند ولی بخش اعظم اوقات فراغت و یا حتی بدتر از آن بخش بسیاری از زندگی آنها به گشت و گذار اینترنتی و حضور در شبکه‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد و زمان اندکی را برای گفت و گوی حضوری دارند این مسئله بسیار نگران کننده می‌باشد.

پیامد دیگر حضور غالب فضای مجازی، تغییر مرجع جوانان از خانواده و آشنایان به هویت‌های فعال در عرصه‌ی مجازی است، تغییر مرجع جوانان باعث کاهش احساس تعلق فرد به گروه اقوام و خویشاوندان و عدم رعایت هنجارهای پذیرفته شده میان خویشاوندان می‌شود که همین امر سبب افزایش بسیاری از ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها خواهد شد.

علاوه بر مطالب گفته شده در پاسخ به سوال دوم باید گفت انسان

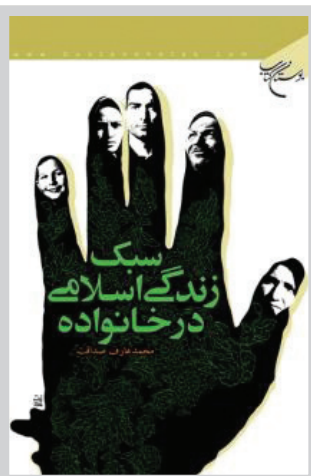
مزلو نیز در هرم نیازهای انسان برای نیل به هدف والا، یکی از نیازهای افراد را نیاز به عشق و وابستگی می‌داند که خانواده و آشنایان یکی از مهم‌ترین در رفع این نیاز می‌باشند، در نتیجه انسان نیاز دارد تا با خویشان و کسانی که به آنها تعلق خاطر دارد از نزدیک در ارتباط باشد و قطعاً این مهم از طریق فضای مجازی محقق نخواهد شد.

صله‌ی رحم در اصطلاح به معنای محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است. قطعاً حضور واقعی نشان دهنده‌ی اوج محبت و رأفت است، نشان دهنده‌ی مودت و سلوک خالصانه

موجودی اجتماعی هست و باید نیازهای اجتماعی خود را از طریق روابط اجتماعی تامین کند. مهم‌ترین راه برقراری ارتباط کلام است و این کلام بیشترین تاثیر خود را زمانی دارد که به صورت دیداری باشد. لحن، حالت‌های چهره و بدن فرد و همچنین تَن صدا در میزان درک فرد بدون سوءتفاهم تاثیر بسزایی دارد. در حقیقت تفاوت بسیاری بین دیدار، گفتگو و شنیدن صدای یکدیگر با چت کردن‌های اینترنتی وجود دارد و تقویت ارتباطات انسانی و عاطفی با روابط دیداری و حس کردن یکدیگر از نزدیک بهتر امکان‌پذیر است.

است. البته این بدان معنا نیست که ما از راه‌های دیگر استفاده نکنیم مهم این است که این گونه از صله‌رحم‌ها جایگزین حضور و ارادت نشود. نباید اجازه دهیم فضای مجازی باعث شود صله رحم حضوری به فراموشی سپرده شود و تریک اعیاد و تسلیت‌های مراسم منحصر به پیام‌ها و استیکرهای ایجاد شده برای آن مناسب شود.

**برقراری ارتباط سریع و ایمن با فرد دیگری که در آن سوی مرزها است بسیار مفید محسوب می‌شود و حتی آن را می‌توان یکی از بزرگترین مزایای اینترنت دانست. اما در شرایطی که اعضای خانواده در کنار یکدیگر قرار دارند ولی بخش اعظم اوقات فراغت و یا حتی بدتر از آن بخش بسیاری از زندگی آنها به گشت و گذار اینترنتی و حضور در شبکه‌های اجتماعی اختصاص می‌یابد و زمان اندکی را برای گفت و گوی حضوری دارند این مسئله بسیار نگران کننده می‌باشد.**



سبک زندگی اسلامی در خانواده از جمله: محبت، خوش خلقی، مثبت اندیشی، گذشت و ... ارائه شده است. در ادامه مباحثی چون نقش سبک‌ها و مهارت‌های کلامی در سلامت خانواده، عوامل و موانع خوشبختی در خانواده، جدایی و فروپاشی خانواده و ... مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در نهایت نیز بهترین و بدترین ارکان خانواده از نظر اسلام واکاوی شده است.

## سبک زندگی اسلامی در خانواده

صفا، مهربانی و سلامتی باشد. چنین چیزی امکان ندارد جز در سایه‌ی وحی و سبک زندگی اسلامی. در کتاب حاضر، سبک زندگی اسلامی در خانواده بررسی شده است: ابتدا کلیات و مفاهیمی مانند: سبک زندگی، خانواده، اهداف تشکیل خانواده، اهمیت خانواده سالم و ... مطرح شده است.

باشد. زندگی‌ای که سرشار از خوبی‌ها باشد و پرگارسان در اطراف عشق به خالق و مودت و محبت به اعضای آن بگردد. و در زوایای آن بتوان اخلاق، معنویت و آثاری از خدا و خالق هستی را تماشا کرد.

زیستنی شایسته انسان است که هم سعادت انسان را در آینده و پس از مرگ تأمین کند، هم در این سرا پر از



مولف: محمدعارف صدقات  
ناشر کتاب: بوستان کتاب قم  
در زندگی انسانی اصل زیستن اهمیت چندانی ندارد، بلکه مهم کیفیت زندگی است.

زندگی‌ای را می‌توان انسانی نامید که در چمن زار آن یاسمن عشق جوانه زده باشد و در گلستان آن گل‌های محبت، وفا و ایشار روییده



دکتر نصرت نیل ساز در گفتگو با چشمه:

## آزادگی با دنیا پرستی همخوانی ندارد



فروزان نیک نداف

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

خانم دکتر نصرت نیل ساز استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس می‌باشند که مقالات متعددی در حوزه‌های مختلف دینی و تاریخی نگارش کرده‌اند. فعالیت‌های وی در زمینه‌های تاریخی و دینی و قرآنی ما را بر آن داشت تا همزمان با فرا رسیدن سوگواری سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله حسین (علیه السلام) گفتگویی با ایشان پیرامون دانشگاه حسینی و شیوه‌های ارتقا سطح بینش و معرفت دانشگاهیان نسبت به نهضت عاشورا داشته باشیم که در ادامه می‌آید:

**\*به منظور ارتقاء بینش حسینی و آشنایی جوانان با نهضت عاشورا چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟**

یک راهکار عملی آشنایی علمی و دقیق با تاریخ واقعی کربلا و اصولاً صدر اسلام است چون هر چه تجربه‌ی ما بیشتر می‌شود در مواجهه با حوادث و جریان‌های انقلاب و جنگ تحمیلی متوجه حرکت سینوسی تاریخ می‌شویم یعنی حوادث و جریان‌ها در طول تاریخ تکرار می‌شوند. ولی ممکن است ظاهر متفاوتی داشته باشند. اما اصل ماجرا یکی است. قرآن هم همین را می‌گوید که مبارزه حق و باطل یک مبارزه‌ی پیوسته‌ای است که تجلی‌های مختلفی می‌یابد. مسئله مهم درک روح وقایعی است که در طول تاریخ اتفاق افتاده است و رویدادهایی که هم اکنون در حال جریان است و بعدها به تاریخ می‌پیوندند. در همه‌ی این وقایع تاریخی افعالی که اتفاق می‌افتد شباهت‌های زیادی به همدیگر دارند یا اینکه ما با نبردهای فیزیکی در صحنه‌های جنگ روبرو می‌شویم یا با نبردهای فرهنگی. از جمله این نبردهای فرهنگی تحقیر خودی است. یعنی اینکه افراد خود را حقیر بیندارند و فکر کنند که در مقابل دشمن هیچ توانی ندارند. در واقعه‌ی عاشورا هم افرادی را می‌بینیم که امام حسین (علیه السلام) را از نبرد باز یزید منع کردند چرا که با مقایسه سپاه امام با سپاه دشمن می‌دانستند که آن پیروزی ظاهری حاصل نمی‌شود. اما امام حسین (علیه السلام) با این تحقیر خودی مقابله می‌کنند. از دیگر این آفت‌ها در جنگ فرهنگی بزرگ نمایی دشمن است. حتی امام خمینی (ره) در وصیت نامه خود می‌فرمایند که ممکن است در دانشگاه‌ها با اساتیدی مواجه شویم که غرب و دشمن را بزرگ جلوه دهند و دانشجویان ما را دچار تحقیر شخصیت بکنند به طوری که خودشان را در مقابل غرب هیچ بدانند.

مسئله‌ی دیگر نگاه ظاهرگرایانه است. مشابه نگاهی که این زیاد به این واقعه داشت و در مجلس خود رو به حضرت زینب (سلام الله علیها) گفت: دیدی که خداوند ما را بر شما پیروزی داد و حضرت زینب با خطابه‌ی خود با این نگاه ظاهربینانه مبارزه می‌کنند و می‌فرمایند که ما پیروز حقیقی هستیم و من چیزی جز زیبایی ندیدم.

**\*به نظر شما مهم‌ترین پیام حادته عاشورا برای جوانان و دانشجویان چیست؟**

عاشورا یک پدیده گوناگون است یعنی دارای جنبه‌های گوناگون است. در این صحنه انسان‌ها در دو بعد بی‌نهایت، بی‌نهایت مثبت و بی‌نهایت منفی، رو به روی هم قرار گرفته‌اند: اهل سعادت و اهل شقاوت. افراد مختلف با توجه به ظرفیت‌های وجودی خود وقتی با واقعه‌ی عاشورا روبرو می‌شوند برداشت‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند. مثلاً وقتی که یک عارف با واقعه‌ی کربلا روبرو می‌شود جنبه‌های عرفانی این واقعه توجه او را به خود جلب می‌کند و برای یک فرد شجاع نیز جنبه‌های حماسی این واقعه نمود بیشتری می‌یابد. به علت ذوجوه بودن این واقعه ما شاهد این برداشت‌های مختلف هستیم. از طرفی در این واقعه الگوها و اسوه‌های اعلا، برای همه‌ی افراد و در همه‌ی سنین، وجود دارد. در حادثه کربلا، مسئله‌ی ایفای وظیفه خیلی مهم است برای انجام وظیفه خوب شناخت وظیفه خیلی مهم است.

(علیه السلام) و سپاه ایشان یک وظیفه‌ای دارند حضرت زینب (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) وظیفه دیگری و هر کدام در جایگاه خودشان به بهترین وجه ایفای نقش کرده‌اند. در دوران جنگ تحمیلی نیز جوانانی بودند که وظیفه خود را به درستی شناختند و به بهترین وجه با خون خودشان ایفای نقش کردند. امروز که ما به طور مستقیم در کشور خودمان با این نبرد فیزیکی روبرو نیستیم ولی با یک صحنه نبرد در عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی روبرو هستیم که جوانان امروز باید نسبت به آن شناخت کافی را بدست بیاورند و به بهترین وجه نسبت به این وظیفه قیام کنند. به عنوان مثال هر دانشجو در حوزه علمی خودش باید در راستای مصالح مملکت بهترین تلاش را بکند.

**\*وظیفه دانشجویان در قبال حادثه عاشورا چیست؟**

وظیفه ما در قبال واقعه عاشورا و همه‌ی وقایع مهم عصر ما و نسل ما شناخت روح آن واقعه و عبرت‌گیری از آن با توجه به شرایط موجود و تطبیق آن با زمان حاضر است.

تلاش برای آگاهی و ژرفا بخشیدن به این آگاهی از طریق مطالعه کتاب، شناخت منابع و متون موثق و شرکت کردن

**عاشورا یک پدیده ذوجوه است یعنی دارای جنبه‌های گوناگون است. در این صحنه انسان‌ها در دو بعد بی‌نهایت، بی‌نهایت مثبت و بی‌نهایت منفی، رو به روی هم قرار گرفته‌اند: اهل سعادت و اهل شقاوت. افراد مختلف با توجه به ظرفیت‌های وجودی خود وقتی با واقعه‌ی عاشورا روبرو می‌شوند برداشت‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند. مثلاً وقتی که یک عارف با واقعه‌ی کربلا روبرو می‌شود جنبه‌های عرفانی این واقعه توجه او را به خود جلب می‌کند و برای یک فرد شجاع نیز جنبه‌های حماسی این واقعه نمود بیشتری می‌یابد. به علت ذوجوه بودن این واقعه ما شاهد این برداشت‌های مختلف هستیم. از طرفی در این واقعه الگوها و اسوه‌های اعلا، برای همه‌ی افراد و در همه‌ی سنین، وجود دارد.**

در مجالس خوب همراه با گزینش این مجالس به این صورت که سخنران و مداح این مراسم چه کسانی هستند. وقتی که یک جوان با مطالعه کتاب یا شرکت در مراسم سخنرانی یک آگاهی بدست می‌آورد و روی این آگاهی‌ها تفکر می‌کند و به این آگاهی‌ها ژرفا می‌بخشد می‌تواند به انحرافات موجود پی ببرد. چرا که حتی واقعه عاشورا هم می‌تواند در اثر تفسیرها و ارائه‌های غلط افراد از این واقعه دچار تحریف شود. هر چه قدر یک واقعه مهم‌تر باشد امکان تحریف آن بیشتر می‌شود. با آگاهی عمیق شناخت انحرافات و مقابله با آن‌ها ممکن می‌شود. یکی از این تحریفات منحصر کردن یک واقعه‌ی ذوجوه مانند عاشورا در یک بُعد است.

**\*با توجه به شرایط کنونی انقلاب اسلامی در مقابله با دشمنان به نظر شما مهم‌ترین درس عاشورا که می‌توان آن را سرمشق خود قرار داد چیست؟**

چه شد که جامعه اسلامی ۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر آنقدر تغییر می‌کند که امت پیامبر بر روی نواده‌ی پیامبر شمشیر می‌کشند. وقتی که از خط راست یک انحراف به وجود می‌آید هرچه قدر این فاصله از خط راست بیشتر می‌شود انحراف بیشتر می‌شود. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان یک نکته مهمی را تذکر می‌دهد و می‌فرمایند که قرآن به چیزهایی تاکید می‌کند و از چیزهایی مکررانه می‌کند. که اگر ما به این اوامر و نواهی خوب توجه کنیم متوجه می‌شویم که این‌ها مهم‌ترین چیزها در سعادت و شقاوت یک جامعه هستند.

یکی از تاکیدات قرآن مودت اهل بیت است. تنها پیامبری که از امت خود طلب اجر و مزد می‌کند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که مزد خود را مودت و دوست داشتن اهل بیتش معرفی می‌کند. و در آیه دیگری پیامبر (صلی الله علیه و آله) عنوان می‌دارد که این اجری که من از شما خواستم به نفع خودتان است. بارها هم خود پیامبر محبت خود به اهل بیتشان را عنوان کرده‌اند و می‌دانیم که این ابراز محبت از سوی پیامبر از روی

هو و هوس شخصی نبوده است. یکی از نواهی قرآن هم عدم پذیرش حکومت کافران و طاغوت و اهل کتاب است. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که ولایت منحصر به دوستی قلبی نیست و در واقع به معنای تبعیت کردن است. مطابق با آیه قرآن داریم که نزدیک‌ترین و شایسته‌ترین افراد نسبت به حضرت ابراهیم کسانی هستند که از آن حضرت تبعیت می‌کنند. یا اینکه در مورد فرزند حضرت نوح داریم که وقتی حضرت نوح به خداوند عرض می‌کند که خداوند تو قول دادی اهل من را نجات بدهی (موقع دیدن غرق شدن فرزندش) از جانب خداوند ندا می‌آید که او از اهل تو نیست بلکه عملی غیر صالح است.

علامه طباطبایی می‌فرمایند که مسلمانان به این دو نکته مهم در قرآن توجه نکردند و شد آنچه که انتظارش را می‌رفت. با توجه به مفاهیم زیارت عاشورا نیز متوجه می‌شویم که در جای جای این زیارت بر دو نکته ولایت و برائت بارها و در تعبیر مختلف تاکید شده است. مسئله دیگری که در زیارت عاشورا مطرح می‌شود مسئله ثبات قدم است. ثبات در قدم خیلی مهم است. کسانی بودند که اسلام آوردند ولی در کوران حوادث این ثبات قدم را نداشتند و از راه راست منحرف شدند. کسانی بودند که در خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) به خاطر غضب خلافت تحسن کردند ولی در جنگ جمل مقابل حضرت علی (علیه السلام) ایستادند. مسئله دیگر ریزش‌ها و رویش‌هاست که در سخنان مقام معظم رهبری نیز بارها بر آن تاکید شده است. در انقلاب خود نیز شاهد این ریزش‌ها و رویش‌ها هستیم با توجه به اینکه دین اسلام دارای دو بعد ولایت و برائت است ما نمی‌توانیم بگوییم دوستدار اهل بیت هستیم ولی شیوه و سبک زندگی خود را از دشمنان اهل بیت بگیریم. در این بازه زمانی که حمله‌های فرهنگی زیاد است باید بدانیم که ولایت اهل بیت یعنی پیروی از اهل بیت در همه عرصه‌های زندگی. باید نشانه‌های زندگی اهل بیت در زندگی ما دیده شود.



بابک جانجان

دانشجوی دکترای الکترونیک دانشگاه تربیت مدرس



# سنسور

این دو حسگر در قالب برخی گجت‌ها و ساعت‌های هوشمند نیز عرضه می‌شود. **حسگر اثر انگشت "Fingerprint Sensor"**

در ابتدا این حسگر صرفاً جایگزین برخی رمزهای ورود بود. اما هر روز کاربرد آن روز به روز در حال افزایش است، مانند استفاده برخی پرداخت‌های بانکی و حتی امضاهای دیجیتال.

استقبال از این حسگر در بین کاربران به میزانی است که در حال حاضر ۴۰ درصد گوشی‌های تولیدی در سال ۲۰۱۶ به این حسگر مجهز می‌شوند و این میزان به بیش از ۵۰ درصد در سال ۲۰۱۷ خواهد رسید.

**اسکنر عنبیه چشم**  
اسکنر عنبیه از دو دوربین به غیر از دوربین‌های جلو و عقب گوشی تشکیل شده است. دوربین مادون قرمز و دوربین دیگری که به طور خاص برای گرفتن عکس چشم شما طراحی شده است. وقتی می‌خواهید قفل گوشی خودتان را باز کنید، دوربین مادون قرمز ابتدا چشمان شما را روشن می‌کند و در همین زمان دوربین دوم عکس چشمان‌تان را می‌گیرد. این دوربین در شرایط نوری مختلف کار می‌کند و هرچه فضا تاریک‌تر باشد، عملکردش بهتر می‌شود. سپس با تجزیه تحلیل‌هایی در صورت مطابقت اسکن چشم با الگوی اصلی قفل باز می‌شود.

■ معرفی حسگرهای گوشی‌ها  
همه گوشی‌های هوشمند بسته به کیفیت و رده گوشی داری حسگرهای مختلفی هستند. هر کدام از این حسگرها قابلیت‌هایی دارند که با شناخت از نحوه کارکرد بیشترین استفاده را می‌توانید از آنها داشته باشید، یا از سوء استفاده‌های احتمالی از آن قابلیت توسط دیگران جلوگیری کنید.

برخی از این حسگرها تقریباً در همه گوشی‌ها فراگیر شده‌اند و برخی نیز صرفاً در تعداد محدودی از گوشی‌ها استفاده می‌شوند. در ادامه حسگرهای مهم و پرکاربرد را به طور مختصر معرفی می‌کنیم.

■ **حسگر قدم شمار یا "Pedometer"**  
حسگر قدم شمار در حوزه سلامت طبقه بندی می‌شود. در گوشی‌های هوشمند دارای این حسگر با نصب یک برنامه ورزشی - سلامتی و به کمک این حسگر می‌توان مسافت طی شده و تعداد قدم‌های برداشته شده و در نتیجه میزان انرژی مصرف شده را مشاهده کرد. البته این عملیات را حسگر شتاب سنج هم می‌تواند انجام دهد، اما قدم شمار بسیار دقیق‌تر است و باطری کمتری مصرف می‌کند.

یکی دیگر از حسگرهای حوزه سلامتی حسگر ضربان قلب است که در برخی گوشی‌ها وجود دارد که بر اساس شمارش تعداد نبض انسان کار می‌کند.



حسگر قدم شمار در حوزه سلامت طبقه بندی می‌شود. در گوشی‌های هوشمند دارای این حسگر با نصب یک برنامه ورزشی - سلامتی و به کمک این حسگر می‌توان مسافت طی شده و تعداد قدم‌های برداشته شده و در نتیجه میزان انرژی مصرف شده را مشاهده کرد. البته این عملیات را حسگر شتاب سنج هم می‌تواند انجام دهد، اما قدم شمار بسیار دقیق‌تر است و باطری کمتری مصرف می‌کند. یکی دیگر از حسگرهای حوزه سلامتی حسگر ضربان قلب است که در برخی گوشی‌ها وجود دارد که بر اساس شمارش تعداد نبض انسان کار می‌کند.

که از حسگرهای گوشی هوشمندتان به‌دست آورید می‌تواند بسیاری از این نگرانی‌ها را برطرف یا کم کند. ■ فعال کردن پوسته مشکی در ویندوز ۱۰ در ویندوز ۱۰ قابلیت وجود دارد که پوسته‌ی بخش‌های مختلف این ویندوز را به رنگ مشکی و تیره تبدیل کند. در ابتدا نیاز بود که فایل رجیستری ویندوز را تغییر داده تا قادر به استفاده از این تم باشید اما بعد از بروز رسانی سالیانه مایکروسافت این قابلیت به راحتی در تنظیمات ویندوز در دسترس است.

در صورتی که ویندوز ۱۰ شما به نسخه ی سالیانه آپدیت شده است می‌توانید به راحتی و بدون نیاز به هیچگونه کار اضافی، از طریق بخش تنظیمات ویندوز به تغییر پوسته‌ی آن بپردازید. بدین منظور به ترتیب وارد قسمت‌های Settings > Personalization > Colors شوید.

سپس به پایین صفحه رفته و در بخش Choose your app mode گزینه ی Dark را انتخاب نمایید. توجه داشته باشید که فعال کردن پوسته‌ی تیره بر روی اپلیکیشن‌های دسکتاپ ویندوز همچون

البته اگر بخواهیم همه حسگرهای مختلف را نام ببریم و توضیح دهیم در این گزارش نمی‌گنجد، حسگرهای مانند حسگر تشخیص اکسیژن خون، قند خون، UV خورشید یا حتی حسگرهای اندازه‌گیری میزان تشعشعات مضر برای بدن که در معدود گوشی‌های هوشمند استفاده شده است.

همین‌طور از توضیح اضافه در مورد حسگرهای شناخته شده و معروف گوشی‌های هوشمند هم پرهیز کردیم حسگرهای دوربین‌ها، جی پی اس، بلوتوث و حتی حسگر گرمایش تشخیص انگشتان بر صفحه نمایش خودداری شد تا مطلبی مختصر و مفید بر مبنای حسگرهای ناشناخته‌تر برای شما ارائه شود. با این حال برخی هم با دیدگاه سوءظن به این حسگرها نگاه می‌کنند که کاملاً منطقی است زیرا این حسگرها اطلاعاتی از شما رصد و ثبت می‌کنند که قوی‌ترین جاسوس‌ها هم امکان آن را ندارند. البته این در صورتی است که کسی به اطلاعات شما نیاز داشته باشد. بسیاری نیز این نوع نگاه را بدبینی می‌دانند. به هر حال شناختی



خودمان هم دارای فرهنگ، باور و دین خاصی هستیم. در یکی، دو سده گذشته تبیین این موضوع که نوع مواجهه نظام معرفتی و هستی‌شناسی دینی ما با آنچه از علم و فناوری مدرن بر ما وارد شده چگونه است، به شیوه‌های مختلف صورت گرفته و از تطابق کامل تا تضاد کامل سخن گفته شده است.

## ما و فناوری

نصر، در همایش بین‌المللی علم در نظام اسلامی در قرن ۲۱ است که در ماه مارس ۱۹۵۵ در پاکستان برگزار شد و این سخنرانی اصلی آن همایش بود. در همین همایش بود که دو محقق برای نخستین بار همکاری‌های معنوی، عقلانی و ذوقی را برای یک عمر آغاز نمودند. کتابی با ماهیتی این چنین، طبیعتاً در تبیین مطالب اصلی از تکرار البته از جنبه‌های گوناگون میدان بحث را باز می‌کند و به غنای گفتگو کمک می‌نماید. کتاب همچنین از حیث روش و به دلیل وجود مقالات تحقیقی، مباحثات و یک سخنرانی اصلی که تبدیل به یک فصل شده، ناهمگن است. به نوشته مترجم ما مسلمانان در فضایی زندگی می‌کنیم که آکنده از پیامدهای علم و فناوری مدرن است. از طرف دیگر

می‌دهد. هستی، موضوع کاوش علمی در دیدگاه سید حسین نصر، بیانگر ابعاد متنوع ارتباط میان خدا، هستی و انسان است و شاکله نظری مباحثاتی را که در فصل دوم آمده‌اند، تشریح می‌کند. فصل دوم شامل چهار مباحثه مصاحبه‌گونه میان سید حسین نصر و مظفر اقبال است که نخست در مجله اسلام و علم منتشر شده است. این مباحثات پیرامون مسائل مختلفی است از جمله ارتباط میان اسلام و علم، گرایش مسلمانان به علم و فناوری مدرن، تفاوت‌های دانش موجود در تمدن اسلامی با علم در دوران و ساحت مدرنیسم، نظرگاه اسلام بر ریشه‌های زیستی و تأثیر علم و فناوری مدرن بر تفکر و تمدن اسلامی. فصل سوم یعنی جهان بینی اسلامی و علم مدرن متن سخنرانی حسین

خصوصیت مهم کتاب این است که دو نماینده از کشورهای با پیشینه فرهنگ و تمدن اسلامی (سید حسین نصر و مظفر اقبال) که هر دو خارج از کشور خود زندگی می‌کنند و دارای تحصیلات در نظام آموزش سنتی و نیز دانشگاهی مدرن هستند و از سوی دیگر پژوهش‌های جدی هم نسبت به نظام معرفتی اسلامی خود داشته‌اند، در برابر هم نشستند تا به واکاوی علمی، فلسفی و دینی مواجهه اسلام و جوامع اسلامی با علم و فناوری مدرن بپردازند. فصل نخست، شامل دو بخش است که زمینه را برای چهار مباحثه بعدی آماده می‌کند. مظفر اقبال در پیشینه بحث پیش زمینه‌های این مباحثات را آشکار می‌نماید و آن‌ها را در متن گفتمان گسترده‌تری از اسلام و علم قرار

عنوان: اسلام، علم، مسلمانان و فناوری نویسنده: سید حسن نصر؛ در گفتگو با مظفر اقبال ناشر: اطلاعات  
ما مسلمان‌ها در جهانی و وضعیتی زندگی می‌کنیم که مملو از نتایج و عواقب علم و فناوری مدرن است. از طرف دیگر خودمان هم دارای فرهنگ، باور و دین خاصی هستیم. در یکی دو سده گذشته تبیین این موضوع که نوع مواجهه نظام معرفتی و هستی‌شناسی دینی ما با نظامی که به واسطه علم و فناوری مدرن بر ما وارد شده چگونه است، به شیوه‌های مختلف صورت گرفته و از تطابق کامل تا تضاد کامل سخن گفته شده و در این کتاب نیز همین موضوع مورد بررسی قرار گرفته است.

## از ازل ایل و تبارم همه عاشق بودند...



محسن سعادت

دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه تربیت مدرس



“ای فرزندانم به شیعیانم سلام مرا برسان و به آنان بگو، پدرم غریب و دور از وطن و در راه خدا شهید شد او را ندیده کنید و بر او گریه و عزاداری نمایید” این جمله‌ای است که بزرگ شهید دشت کربلا در آخرین لحظات، قبل از شهادت خطاب به فرزندش امام زین العابدین (علیه السلام) گفت.

دستور امام بر زمین نماند و از عصر روز عاشورا تا همین امروز، شیعیان شیفته امام حسین (علیه السلام) در سالروز شهادت او چون عزادارانی که تازه عزیزی از دست داده باشند گریه و زاری می‌کنند. حضرت زینب در کربلا و کوفه و شام، ام‌السلّمه همسر پیامبر در مدینه، جابر بن عبدالله انصاری در کربلا و آل بویه در ری اولین کسانی بودند که سنت عزاداری برای امام را در نقاط مختلف مرسوم کردند، پس از آنها عزای حسین هر روز و هر سال پر رونق‌تر، فراگیرتر و خُزن‌انگیزتر شده و انگار نه انگار که از آن تاریخ ۱۳۳۲ سال خورشیدی گذشته است.

در سرزمین‌های اسلامی و به خصوص ایران اولین باری که عزاداری

خانه‌ها و قلوب شیعیان عقب نشینی کرد، تا اینکه حکومت قدر قدرت صفویان ظهور کرد. در منطقه شرق آناتولی و آذربایجان و قسمت‌هایی از قفقاز محل زندگی ترک‌هایی؛ معروف به قزلباش بوده است. قزلباش‌ها چند قبیله بودند که ائتلاف ایشان را قزلباش می‌گویند؛ زمانی که شاه اسماعیل به کمک قزلباش‌ها در ایران به حکومت می‌رسد و دولت صفویه را تأسیس می‌کند برای اولین بار در تبریز مذهب شیعه را مذهب رسمی دولتش اعلام می‌کند و عزاداری امام حسین (علیه‌السلام) از همان تاریخ و دوباره به عنوان یک رسم رونق خاصی می‌گیرد، همین قزلباش‌ها که نیروی نظامی دولت صفویه را تشکیل می‌دهند و همراه با اسب و شمشیر و کتل و سنج و طبل بودند در ایام عاشورا همراه مردم عزاداری می‌کنند ولی چون نظامی هستند زمانی که عزاداری می‌کنند دسته‌های عزاداری ایشان بیشتر حالت حماسی و نظامی دارد. نمونه‌های این عزاداری در اطراف آذربایجان هنوز مرسوم است که به آن شاخ سین (شاه حسین) می‌گویند، شاخ سین یک گونه عزاداری است که نظم خاصی دارد و افراد در کنار هم قرار می‌گیرند و با نظم خاصی همراه با بدست گرفتن شمشیر و با آهنگی که با نواخته شدن طبل‌ها ساخته می‌شود و با سرودن اشعار حماسی و آهنگین در «بحر رجز» مراسم را ادامه می‌دهند. بعدها که صفویه بر کل ایران مسلط می‌شود و مذهب رسمی ایران شیعه می‌شود کم کم گونه‌های دیگری به عزاداری اضافه می‌شود مانند گونه‌های شاخ سین (شاه حسین) که عزاداری حماسی است و پس از آن زنجیر زنی نیز اضافه شد، البته برخی منشأ آن را از هند و پاکستان می‌دانند و برخی از عرب‌ها اما سینه زنی با نظم خاص و دسته‌های خاص در دوره‌ی صفویه

زمان دیگری رواج پیدا می‌کند. شبیه خوانی به خصوص در دوره‌ی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه با برپایی تکیه و ساختمان‌هایی که جهت برقراری تعزیه خوانی تأسیس شده بودند رسم و رسوم و شیوه خاص خودش را پیدا کرد. در سال ۱۲۴۸ شمسی به دستور ناصرالدین شاه قاجار تکیه دولت با گنجایش ۲۰ هزار تماشاگر ساخته شد. بسیاری بر این باورند که دوره قاجار بیشترین تنوع در گونه‌های عزاداری را مرسوم کرد، چرا که علاوه بر شبیه خوانی و تعزیه، برپایی سقاخانه؛ تیغ زنی، سخنوری، مراسم دفن شهدای کربلا، مراسم تشت گذاری و... نیز در این دوره مرسوم شد.

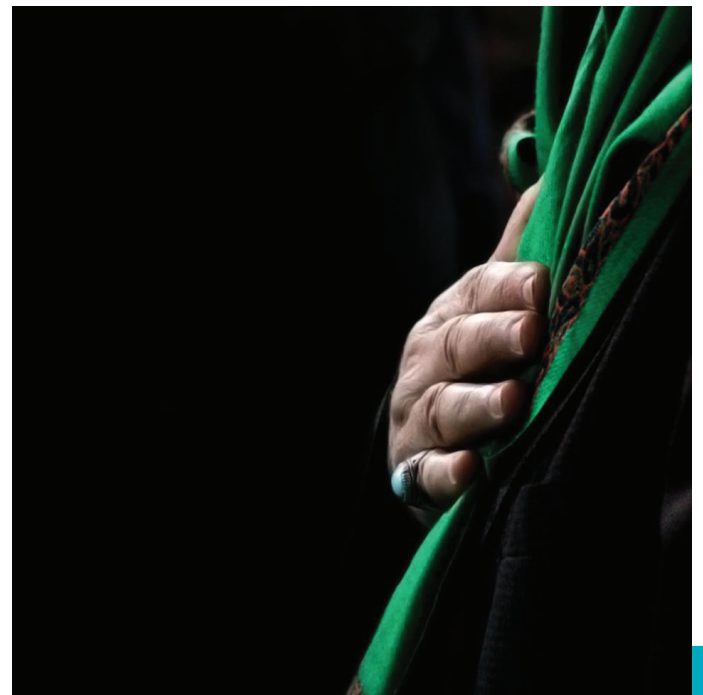
پس از قاجاریان و با به تخت نشستن رضا شاه، دوره رکود دسته‌جات و هیئت‌های عزاداری شروع شد، در این دوره تکیه‌ها بسته و عزاداری ممنوع شد و این رویکرد منجر به آن شد که گونه دیگری از عزاداری در قالب هیئت‌های عزاداری خانگی رشد بیشتری کنند و این جلسات به صورت هفتگی یا ماهانه برگزار شود. در دوره‌ی پهلوی دوم اما محمدرضا شاه هر چه کرد نتوانست با قدرت و تأثیرگذاری هیئت‌های مذهبی و دهه‌ی محرم مقابله کند. به گونه‌ای که به باور بسیاری کلید انقلاب اسلامی از دهه “۱۳۴۰” و به ویژه محرم ۱۳۴۲ در ایران زده شد. علاوه بر این راهپیمایی میلیونی در تهران و سراسر ایران در روزهای تاسوعا و عاشورای حسینی در سال ۵۷ به مثابه تیر خلاصی بود به حکومت شاهنشاهی که پایان آن را حتمی کرد. پیروز شدن انقلاب همچون دمیدن خون تازه‌ای در رگ‌های شیعیان و سنت‌های عاشورایی بود، از آن تاریخ تا کنون همه شیوه‌های مقبول و مرسوم عزاداری در نقاط مختلف ایران پیاده و اجرا می‌شود.

رواج پیدا می‌کند و همه گیر می‌شود و دسته‌ها و هیئت‌های عزاداری به راه می‌افتد و اشعار خاصی برای عزاداری در این دوره اضافه می‌شود. تا قبل از این دوره، اشعار ما بیشتر عربی بودند ولی از قرن نهم به بعد اشعار فارسی و ترکی هم اضافه می‌شود و گونه‌های عزاداری، تنوع بیشتری پیدا می‌کند یعنی مرثیه‌خوانی؛ مقتل خوانی، روضه خوانی؛ زنجیر زنی؛ شاخ سین (شاه حسین) و برخی دیگر از انواع دیگر نیز افزوده می‌شود و تقریباً یک سنت ثابت بر جای می‌ماند.

پس از صفویان در دوره‌های زندیه و قاجار نیز برپایی مراسم دهه محرم و عاشورا همچنان پر رونق باقی می‌ماند، به عنوان نمونه در دوره زندیه چون شخص کریم‌خان مقید به آداب و مراسم مذهبی بود و به تقلید از شاهان صفوی در ماه محرم دسته‌جات عزاداری را برپا می‌کرد در دوره‌ی قاجار نیز که علمای بزرگ نفوذ فراوان داشتند و قاجاریه به تقلید از شاهان گذشته این مراسم گسترده شد، خصوصاً در عهد ناصری دهه اول محرم عزاداری و حرکت دسته‌ها در مساجد و تکایا و برگزاری مراسم دیگر به اوج خود رسید که عامل اصلی این امور علمای بزرگ شیعه بودند که در تهران و شهرستان‌ها این آیین را همراه با اطعام و پذیرایی از عزاداران سیدالشهداء رواج دادند.

دوران قاجار اما سرآغاز برآمدن سبک و شیوه‌های نوینی در مراسم عزاداری محرم و عاشورا بود، چرا که از این تاریخ نوع جدیدی از عزاداری به نام “شبیه خوانی” به مراسم اضافه می‌شود، بر این اساس در عزاداری به برپایی مراسم جهت بازسازی حادثه عاشورا می‌پرداختند و عده‌ای مانند تئاترهای امروزی نقش افراد را بازی می‌کردند البته این نوع عزاداری شعرهای خاص خود را داشت و این گونه عزاداری در دوره قاجاریه و فتحعلی شاه بیش از هر

در سرزمین‌های اسلامی و به خصوص ایران اولین باری که عزاداری برای امام سوم شیعیان مرسوم شد در سالگشت حادثه عاشورا در زمان حکومت خاندان آل بویه بود، آل بویه از خاندان اصیل ایرانی و شیعی مذهب ساکن منطقه دیلمان ایران بودند که جد آنها ابوشجاع بویه پسر فنا خسرو دیلمی است و نسب آنها به بهرامگور ساسانی می‌رسد. تا پیش از آن عصر شیعه قدرت سیاسی را در دست نداشت و با به قدرت رسیدن آل بویه، شیعیان توانستند عزاداری علنی داشته باشد و معزالدوله دیلمی که پایه‌گذار آل بویه عراق، خوزستان و کرمان بود دستور داد در روز عاشورا همه بازارها تعطیل شود و مردم در بیرون از منازل عزاداری کنند.





هادی طلوعی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی  
دانشگاه تربیت مدرس

## فرزندان ابوسفیان



بر مدار دیانت و برخی سنت‌های قبیله‌ای عرب استوار بود؛ اما پس از به قدرت رسیدن بنی‌امیه، حکومت به تمامی رنگ دنیوی گرفت و برای تأمین اهداف آن روش‌های مختلف غیرانسانی و به اصطلاح ماکیاولیستی رواج یافت. به همین سبب عموم مورخین و دانشمندان اهل سنت دیدگاهی منفی درباره امویان دارند؛ اما در مقابل، برخی از نویسندگان مانند غزالی، ابن حزم اندلسی و ... درصدد تبرئه بنیان‌گذار این سلسله برآمده‌اند. امروزه برخی از گروه‌های بنیادگرای تکفیری در خاورمیانه ارادت خاصی نسبت به حکومت بنی‌امیه ابراز می‌دارند و حتی خود را فرزندان ابوسفیان اعلام می‌کنند که برای مبارزه با شرک و بدعت شیعیان به پا خواسته‌اند. این گروه‌ها در روش‌های عملیاتی و جنگی خویش انواع مدل‌های غیرانسانی قتل و شکنجه را به کار می‌برند و حتی فتوای فقهی برای آن دست و پا می‌کنند. در طول تاریخ اسلام نیز بنی‌امیه شیوه‌های ترور، سرکوب و کشتار جمعی را برای حذف مخالفان به کار می‌بردند که تا پیش از آنان سابقه نداشت. به راستی این گروه‌ها فرزندان حقیقی ابوسفیان و بنی‌امیه هستند.

پیمان با امام حسن و انتقال خلافت به پسرش، برخی از صحابه را به جرم طرفداری از علی (علیه السلام) یا دشنام ندادن وی کشت. در زمان او رسم سب حضرت علی (علیه السلام) بنیان گذاشته شد که تا دوره عمر بن عبدالعزیز ادامه داشت. پس از وی یزید دورانی از جنایت را در سرزمین‌های اسلامی پدید آورد. گفته‌اند که مادر وی از قبایل مسیحی عرب بود و به همین دلیل یزید به مسیحیت گرایش داشت. اشعار یزید از بی‌اعتقادی او به اسلام و وحی حکایت دارد. در این میان امام حسین (علیه السلام) که حاضر به بیعت با یزید نشده بود، شهید شد. از نظر احوال شخصی یزید به حدی عیاش بود که او را سکران الخمیر یا مست شراب لقب داده بودند. او در حادثه خون‌بار حره سه روز جان و مال و ناموس مردم مدینه و صحابه پیامبر را که عمدتاً اهل سنت بودند، مباح اعلام کرد. روایت جنایت‌های این خاندان در تاریخ مطمح نظر این یادداشت نیست؛ اما نکته‌ای که به کار امروز ما می‌آید، نقش این شجره در پایه‌گذاری بدعت‌ها و تغییر نظام سیاسی مسلمانی است. تا زمان خلفای راشدین، اداره جامعه اسلامی

یکی از عوامل نارضایتی و شورش مردم در زمان خلیفه سوم حاکمیت اشرافی‌گری و سیاست اقتصادی بنی‌امیه بود. در این هنگام ابوسفیان در اجتماعی در شام به بستگانش اعلام نموده بود که مراقب باشید، خلافت از خاندان شما خارج نشود و آن را همچون گوی دست‌به‌دست بگردانید. در زمان خلافت امام علی (علیه السلام)، معاویه با حکمی از فرمانداری شام عزل شد. معاویه به بهانه خون‌خواهی عثمان از علی، مردم شام را به بیعت خویش فراخواند و طی جنگ صفین و ماجرای حکمیت، حکومت را از ید امیرالمؤمنین خارج کرد. او به محض استقرار در دارالخلافه، مقدمات یک سلطنت موروثی را پی‌ریزی کرد. بدین ترتیب معاویه بزرگترین انحراف را در جامعه و دولت اسلامی پدید آورد و خلافت را به الگوی سلطنت ایرانی نزدیک کرد. همچنین رسم جانشینی را در این سلسله بنا گذاشت که پیامد آن حکومت یزید بود. با این حال معاویه خود را خلیفه‌المسلمین می‌خواند. او در عین تیزهوشی و سیاستمداری، از هیچ وسیله‌ای برای تحکیم قدرتش ابا نداشت. چنانکه ضمن شکستن

امام علی (علیه السلام) پیشنهاد داد. اما امام به جهت نیت ابوسفیان که آن را ناشی از انگیزه‌های سلطه‌طلبانه تحلیل می‌کرد، پاسخ منفی بدان داد. به موازات عدم استقبال علی (علیه السلام) از پیشنهاد بنی‌امیه، آنان به تدریج مناصب سیاسی و نظامی را در دولت به دست آوردند و ارکان خلافت را قبضه نمودند. فرزندان امیه رهبری جنگ‌های ارتداد و فتوحات شام و عراق را به عهده گرفتند و خلافت قریش را همسایه ایران و روم نمودند. فتح شام تقریباً به دست معاویه و یارانش صورت گرفت. تصرف ایران، مصر و آفریقا نیز در زمان خلیفه دوم با مشارکت بنی‌امیه همراه بود. این خاندان در مدت ۱۳ سال پس از رحلت پیامبر، مناصب و نفوذ اداری و سیاسی فراوانی کسب کردند. بدین‌سان اشراف مردم عرب در جاهلیت به اشراف آنان در اسلام تبدیل شدند. در شورای شش‌نفره جانشینی خلیفه دوم نیز سمت و سوی خلافت به دست عثمان بن عفان از بنی‌امیه افتاد. در این شورا تقابل بنی‌هاشم (امام علی (علیه السلام)) و بنی‌امیه بار دیگر نمایان شد. در زمان عثمان این طایفه همچنان تکریم و بزرگداشت شد و حتی به بیت‌المال دست‌اندازی نمود.

خاندان بنی‌امیه از سال‌های ۴۱ تا ۱۳۲ قمری بر ممالک اسلامی حکومت کردند و شیوه‌های سلطنت را در امور خلافت و دیانت ترویج دادند. بر اثر روش‌های حکومت‌داری این سلسله تغییرات و انحرافات مهمی در سلوک مسلمانان پدید آمد که تا به امروز منشأ اثر و اختلافات جوامع اسلامی است. حکایت به قدرت رسیدن این طایفه بدین صورت بود که پس از فتح مکه توسط سپاه پیامبر، اکثریت قریش را بنی‌امیه تشکیل می‌دادند. این طایفه به دلیل مخالفت گسترده و جنگ‌هایی که رهبران‌شان با سپاه اسلام داشتند، بخت زیادی در تصدی خلافت نداشتند. در عین حال ویژگی عمده‌ای که آنان را به یکی از کانون‌های عمده قدرت بدل می‌کرد، سابقه طولانی در فعالیت‌های سیاسی و نظامی بود و سال‌ها رهبری قریش در مکه جاهلی، آنها را به مردانی کارآزموده در دیپلماسی و عملیات نظامی تبدیل کرده بود. می‌توان گفت، حمایت آنان در جریان سقیفه بنی ساعده عملاً تنها شرط موفقیت خلیفه احتمالی بود. پس از ماجرای سقیفه و استقرار خلافت ابی‌بکر، ابوسفیان رئیس قبیله، در نخستین موضع‌گیری خویش حکومت را به

ویژگی عمده‌ای که آنان را به یکی از کانون‌های عمده قدرت بدل می‌کرد، سابقه طولانی در فعالیت‌های سیاسی و نظامی بود و سال‌ها رهبری قریش در مکه جاهلی، آنها را به مردانی کارآزموده در دیپلماسی و عملیات نظامی تبدیل کرده بود. می‌توان گفت، حمایت آنان در جریان سقیفه بنی ساعده عملاً تنها شرط موفقیت خلیفه احتمالی بود. پس از ماجرای سقیفه و استقرار خلافت ابی‌بکر، ابوسفیان رئیس قبیله، در نخستین موضع‌گیری خویش حکومت را به امام علی (علیه السلام) پیشنهاد داد. اما امام به جهت نیت ابوسفیان که آن را ناشی از انگیزه‌های سلطه‌طلبانه تحلیل می‌کرد، پاسخ منفی بدان داد. به موازات عدم استقبال علی (علیه السلام) از پیشنهاد بنی‌امیه، آنان به تدریج مناصب سیاسی و نظامی را در دولت به دست آوردند و ارکان خلافت را قبضه نمودند.



بهداشت و سلامت از دیدگاه قرآن کریم

اسلام، دین پاکی‌ها



آزینا ظهیری

دانشجوی دکتری آموزش بهداشت و ارتقای سلامت دانشگاه تربیت مدرس

پادشاه



در این شماره به بیان مبانی سلامت، بهداشت و پزشکی در قرآن می‌پردازیم. قرآن، برای بیان جزئیات مقوله سلامت و پزشکی مردم نازل نشده است و امکان عقلی آن نیز وجود ندارد، ولی کلیات و مبانی و اصول آنها را بیان کرده است؛ زیرا این اصول و مبانی در راستای هدایت انسان است. هدایت مردم زمانی میسر است که مردم سالم و تندرست باشند. جامعه‌ای بیمار جامعه را کد است، اما دین اسلام دین حرکت و رشد و بالندگی است، به عبارت دیگر، سلامت، در متن دین نهفته است که از برخی آیات و احادیث استفاده می‌توان آن را به اثبات رساند. در اینجا به برخی از مبانی سلامت و بهداشت که در قرآن مطرح شده را بیان می‌کنیم:

۲- لزوم حفظ بدن به عنوان امانت الهی: اعضاء و جوارح انسان امانت الهی هستند. در قرآن آمده است: «أَمَّنْ يَمْلِك السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ...»<sup>۴</sup> «یا چه کسی صاحب اختیار گوش [ها] و چشم‌هاست؟» «م» در آیه منقطعه است، یعنی مالکیت اعضای انسان در دست خداست و انسان امانت‌دار است. نیز آمده است: «بَلْ لَّهٗ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهٗ قَانِتُونَ»<sup>۵</sup> و «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ...»<sup>۶</sup>.

امام خمینی، جراحت متناهی شخص بر بدن را حرام می‌داند<sup>۷</sup> حتی خوردنی‌هایی که به بدن ضرر داشته باشد را حرام می‌شمرد<sup>۸</sup> و بدن و اعضا و جوارح را امانت الهی تلقی می‌کنند و معتقدند انسان در سلامتی و حفظ آن کوشا باشد<sup>۹</sup>.

۱- هدایت و کمال بشر در پرتو سلامت:

یکی از اهداف نزول قرآن هدایت و تربیت معنوی بشر است: «وَهَدَىٰ لِلنَّاسِ»<sup>۱۰</sup> این هدایت بدون سلامتی بشر ممکن نیست. جامعه بیمار و مملو از مرض و عدم رعایت اصول بهداشت و سلامت نمی‌تواند مایه سعادت دنیایی و اخروی باشد؛ از این رو، در اسلام شاهد احکامی هستیم که رابطه مستقیم با سلامتی اعضاء و جوارح دارد؛ مانند: وضو برای نماز، امساک از غذا در روزه، رو به قبله ایستادن، غسل، نخوردن غذاهای حرام، و... قرآن با سه مقوله اخلاقی، احکام و عقاید برای بشر نازل شد و هر سه با بهداشت روان و جسم بشر رابطه دارد

۳- تغذیه، اصلی‌ترین نیاز بدن: یکی از نیازهای اصلی بدن، تغذیه است و در قرآن به تغذیه توجه خاصی شده است؛ برای نمونه، چهار بار «فلینظر» آمده است که دو بار آن به کیفیت غذا<sup>۱۱</sup> و یک بار آن به خلقت<sup>۱۲</sup> و چهارمی به اعمال<sup>۱۳</sup> اشاره دارد؛ یعنی بین خلقت بشر و خوردن غذا و اعمال او رابطه مستقیمی است. در قرآن به برخی از موارد تغذیه قسم یاد می‌کند<sup>۱۴</sup> که

نورهاست که تمامی جانداران در سایه آن با آرامی به خواب می‌روند. دانشمندان اشاره دارند خواب در روز همچون خواب در شب تأثیری ندارد و حتی برای بهداشت بدن مضر است. این آرامش جسمی، آرامش روح و روان را به همراه دارد و مقدمه برای عبادت و معنویت است.

آنچه از مبانی و اصول قرآنی در زمینه بهداشت و سلامت که در این نوشتار آمد، نشان از آن دارد که قرآن کریم توجه جدی به سلامت مردم دارد و از فحوای آیات استفاده می‌شود که مردم و جامعه ناسالم، از مقدمات هدایت و کمال محروم خواهند بود؛ لذا ضروری است به این اصول و مبانی در علم پزشکی و بهداشت توجه جدی شود تا آثار مثبت آن در فرد و جامعه مشهود گردد.

شیر مادر و... بی‌عیب و بی‌نقص می‌باشد. هر مشکلی که برای جنین پیش می‌آید یا نتیجه نقص در تغذیه است یا بیماری در پدر و مادر یا اختلال در ژنتیک.

۵- تأثیر آرامش در سلامتی جسم و روان:

آرامش بالاترین سرمایه بشری است که انسان هنوز به اهمیت آن پی نبرده است. قرآن در ۵ آیه به عوامل آرامشی بشر اشاره دارد: ۱. همسر: «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»<sup>۱۹</sup>؛ ۲. نماز: «إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»<sup>۲۰</sup>؛ ۳. خدا: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۲۱</sup>؛ ۴ و ۵. خوابیدن در شب: «وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا»<sup>۲۲</sup> در فرهنگ اسلامی خوابیدن در روز مذموم شمرده شده مگر خواب قیلوله قبل از اذان ظهر<sup>۲۳</sup>. به علاوه، یکی از ثمرات کره ماه، آرامش بخشی و آسایش‌دهی به انسان‌ها و حیوانات است، لذا نور ماه آرام بخش‌ترین

نشان از اهمیت آنهاست. همچنین از آیات قرآن استفاده می‌شود که نوع غذا در رفتار و اعمال انسان اثر دارد: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»<sup>۲۴</sup>.

۴- انسان سالم و تندرست، مطلوب خداوند:

از آیات قرآن استفاده می‌شود که انسان به زیباترین شکل و سالم‌ترین جسم پا به عرصه طبیعت گذاشته است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»<sup>۱۵</sup>؛ «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ»<sup>۱۶</sup>؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>۱۷</sup>؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۱۸</sup>. نقص و بیماری در خلقت خداوند وجود ندارد. خلقت ابتدایی ما که توسط دستگاه خودکار الهی صورت گرفت، از نطفه که منشأ آن صلب و ترائب است تا لایه‌های سه گانه رحم مادر و رشد آن در رحم و تغذیه از خون مادر و تولد و استفاده از

جامعه بیمار و مملو از مرض و عدم رعایت اصول بهداشت و سلامت نمی‌تواند مایه سعادت دنیایی و اخروی باشد؛ از این رو، در اسلام شاهد احکامی هستیم که رابطه مستقیم با سلامتی اعضاء و جوارح دارد؛ مانند: وضو برای نماز، امساک از غذا در روزه، رو به قبله ایستادن، غسل، نخوردن غذاهای حرام، و... قرآن با سه مقوله اخلاقی، احکام و عقاید برای بشر نازل شد و هر سه با بهداشت روان و جسم بشر رابطه دارد

دعای صحیفه سجادیه فرمودند: «وَأَرْزُقْنِي صِحَّةً فِي عِبَادَةِ خدایا سلامتی را روزی من قرار ده تا بتوانم عبادتت نمایم».



از آیات قرآن استفاده می‌شود که انسان به زیباترین شکل و سالم‌ترین جسم پا به عرصه طبیعت گذاشته است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»<sup>۱۵</sup>؛ «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ»<sup>۱۶</sup>؛ «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»<sup>۱۷</sup>؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۱۸</sup>. نقص و بیماری در خلقت خداوند وجود ندارد. خلقت ابتدایی ما که توسط دستگاه خودکار الهی صورت گرفت، از نطفه که منشأ آن صلب و ترائب است تا لایه‌های سه گانه رحم مادر و رشد آن در رحم و تغذیه از خون مادر و تولد و استفاده از شیر مادر و... بی‌عیب و بی‌نقص می‌باشد. هر مشکلی که برای جنین پیش می‌آید یا نتیجه نقص در تغذیه است یا بیماری در پدر و مادر یا اختلال در ژنتیک.

(پی نوشت)  
۱. (انعام/۹۱)  
۲. ر.ک: اهتمام، فلسفه احکام، ج ۲)  
۳. (دعای ۲۰ صحیفه سجادیه)  
۴. (یونس/۳۱)  
۵. (بقره/۱۱۶)  
۶. (بلد/۸ و ۹)  
۷. (استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۵۸۰)  
۸. (تحریر الوسیله، ج ۳، ص ۲۷۳)  
۹. (امام خمینی، جهاد با نفس یا جهاد الاکبر، ص ۶۱)  
۱۰. (عبس/۲۴؛ کهف/۱۹)  
۱۱. (طارق/۵)  
۱۲. (حج/۱۵)  
۱۳. (تین/۱)  
۱۴. (مؤمنون/۵۱)  
۱۵. (سجده/۷)  
۱۶. (تغابن/۳)  
۱۷. (تین/۴)  
۱۸. (مؤمنین/۱۴)  
۱۹. (روم/۲۱)  
۲۰. (توبه/۱۰۳)  
۲۱. (رعد/۲۸)  
۲۲. (نبأ/۹)  
۲۳. (مجلسی، بحار الانوار، ۱۶/۱۱۸)



سید محمد جواد مویدیان

کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس



# “ایاک بابایی و ایاک بابایی”



کنار ستون بزرگ سمت راستی که نزدیک درب عقبی بود و ایستادم و شروع کردم. حدود دو سوم از مسیر طی شده بود و من تموم تمرکز رو جمع کرده بودم تا اشتباه نکنم و گرنه باید همه چیز از اول شروع می‌شد! نگاهم روی مهر بود و تمرکز روی ذکر و دونه‌های تسبیحی که دونه‌هاش از بین انگشت شصت و اشاره‌ی دست راستم یکی یکی رد می‌شد. “ایاک نعبد و ایاک نستعین... ایاک نعبد و ایاک نستعین...” همین طور که داشتیم دونه‌های تسبیح رو یکی یکی رد می‌کردم، صدای یه بچه رو شنیدم که داشت یکی رو صدا می‌زد. وسط این جمعیت که همه مشغول بودند و به خاطر حساسیت کار و تفاوت این دو تا نماز با بقیه‌ی نمازهای معمولی، احتمال حواس‌پرتی و اشتباه و از دست رفتن همه‌ی تلاش‌های معنوی چند ده دقیقه‌ای تو لحظه‌ی آخر زیاد بود؛ یه بچه انگار داشت دنبال کسی می‌گشت... اما نه مثل بقیه!

چشمم رو از روی مهر برداشتم و بدون این که سرم رو تکون بدم، نگاهش کردم. حدود نیم متر قدش بود و از لباس راحتی‌ای که پوشیده؛ مشخص بود قبل از این که بیاد داخل رواق مسجد، داشته وسط اون حیاط دراندشت بازی می‌کرده... شاید هم تا حالا بغل بابا یا مامانش کل دعای ندبه رو خواب بوده و تازه الان بیدار شده... از پشت ستون نزدیک من اومده بود داخل و داشت بی‌هدف می‌رفت سمت ستون جلویی سمت چپی. به اطراف نگاه می‌کرد و همین‌طور که انگشت‌های دستش رو از شدت اضطراب توی هم پیچ می‌داد، آروم

چشمم رو از روی مهر برداشتم و بدون این که سرم رو تکون بدم، نگاهش کردم. حدود نیم متر قدش بود و از لباس راحتی‌ای که پوشیده؛ مشخص بود قبل از این که بیاد داخل رواق مسجد، داشته وسط اون حیاط دراندشت بازی می‌کرده... شاید هم تا حالا بغل بابا یا مامانش کل دعای ندبه رو خواب بوده و تازه الان بیدار شده... از پشت ستون نزدیک من اومده بود داخل و داشت بی‌هدف می‌رفت سمت ستون جلویی سمت چپی. به اطراف نگاه می‌کرد و همین‌طور که انگشت‌های دستش رو از شدت اضطراب توی هم پیچ می‌داد، آروم صدا می‌زد: بابایی... بابایی...

و دیگه رفتن بچه رو ندیدم... اون تو رکعت اول من باباش رو پیدا کرد و رفت؛ و رکعت دوم من هممش شد: “ایاک بابایی و ایاک بابایی” نگه به حال خرابم نمی‌کنی ای دوست؟ خراب‌تر چه کنم؟ بیش از این همی نتوانم تو بر براق و دوانیم در پیات حلقی ز پای لنگ چه دعوی؟ سریع می‌نتوانم... یا ابانا استغفرلنا ذنوبنا انا کنا خاطئین...”

رکعت اول داشت با موفقیت ادا می‌شد که اون بچه صداس رو برد بالا... هر قدمی که برمی‌داشت صداس بالاتر می‌رفت و اضطرابش بیشتر. دوباره چشمم رو از روی مهر برداشتم و نگاهش کردم. همین که به ستون جلویی رسید، بغض کرد... ولی باز هم می‌رفت جلو و بین مردم رو می‌گشت و صدا می‌زد... حرکتش رو با چشم دنبال کردم تا اینکه رفت پشت ستون... نگاهم رو انداختم روی مهر و ادامه دادم... “ایاک نعبد و ایاک نستعین...” اما صدای بچه که دیگه نمی‌دیدمش و کم کم داشت می‌زد زیر گریه اونقدری بلند شده بود که زیر گنبد بزرگ مسجد بپیچه و هر کسی اون رو بشنوه. بچه مدام با بغض و اضطراب داد می‌زد: بابایی... بابایی... و من زمزمه می‌کردم “ایاک نعبد و ایاک نستعین...” بچه حرف خودش رو می‌زد و من حرف خودم رو... اون صداس رو می‌برد بالاتر تا بابش رو پیدا کنه و من صدام رو می‌بردم بالاتر تا ذکرم گم نشه! اون صداس رو می‌برد بالاتر تا باباش بشنوه و من صدام رو می‌بردم بالاتر تا حواسم پرت نشه! اون به کار خودش بود و من به کار خودم... اما اونقدر بلند داد می‌زد که کم کم ضرب‌آهنگ ذکر “من” و استغاثه‌ی “اون” با هم یکی شد... یکی من می‌گفتم، یکی اون... از ذکر من “ایاک” و از ذکر اون “بابایی”... از این به بعد فقط می‌شنیدم: “ایاک؛ بابایی... و ایاک؛ بابایی... ایاک؛ بابایی... و ایاک؛ بابایی...” حالش خراب بود... حالم خراب شد... فقط یه مردی رو دیدم که دوید سمتش و بغلش کرد و اون ساکت شد...

جمعه، نماز تحیت می‌خوندند و نه به نوجوان‌های تازه پشت لب، سبز شده‌ای که تو قنوت‌شون تریپ عرفان برداشته بودند. مهر همه را لگد می‌کرد و می‌گشت و صدا می‌زد. داشتیم به اضطراب و آشفتگی اون بچه نگاه می‌کردم که یه مرتبه به خودم اومدم... نه؛ خدا رو شکر هنوز داشتیم ذکر رو می‌گفتم! آخه قبلا سابقه‌ی حواس‌پرتی تو این دو تا نماز و برگشتن و از اول شروع کردن رو داشته‌م... دیگه آخرهای تسبیح بود و

صدای زد: بابایی... بابایی... موضوع رو فهمیدم! باباش رو گم کرده بود و مضطرب. اون هم تو این رواقی که می‌شد ظرف چند دقیقه همه جاش رو گشت! با اون پاهای کوچیکش چند قدم چند سانتی برمی‌داشت، وامیستاد و اطراف رو نگاه می‌کرد و باباش رو صدا می‌زد؛ دوباره چند قدمی می‌رفت و وامیستاد و صدا می‌زد؛ اصلا هم کاری به آدم‌های دور و برش نداشت... نه به علمایی که خاضعانه تو این صبح

## ای ماه چرا قامت خم است؟



کلی شاعران این دوره شاعران دوره‌ی بازگشت‌اند و حرف تازه‌ای ندارند. آثار آنها اغلب به یک شکل است و همه تقلید و بازگشت به سبک خراسانی و عراقی. اما در این میان دو شعر چنان ارزشمند است که خود به تنهایی بار ارزشی دیوان یوسف خان را بالا می‌برد. مرثیه‌هایی که در بزرگداشت و مصیبت حضرت سید الشهداء علیه السلام سروده شده است. گویایی سخن شاعر جایی برای توضیح و تفصیل باقی نمی‌گذارد. در ادامه به یکی از این اشعار اشاره می‌شود.

آمد مه محرم و دلها پر از غم است \*\*\* ای دل مشو تو شاد که ماه محرم است  
دانی چه‌ها کشید ز شمر لعین حسین \*\*\* از جمله ماه و سال همین ماه اعظم است  
این ماه اعظم است و عزیز است دوستان \*\*\* بهر حسین هر چه کند دیده‌ها کم است  
اشک روان ز هجر شه تشنه لب حسین \*\*\* از دیده‌های زینب مسکین مسلم است  
بگفتا زینب مضطر ز ظلم شمر بد اختر \*\*\* کجا دانند حال ما سبکباران ساحلها  
پس از آن شاه مظلومان چگویم من نمی‌دانی \*\*\* چه سان بر ناهه عریان بستند جمله محملها



محمد رافعی

دانشجوی دکترای تاریخ



رسیدن کاروان در طول تاریخ بشری غالباً مایه‌ی خوشحالی بوده چرا که رسیدن به معنای گذشتن از خطرها بود. اما یک کاروان که می‌رسد کسی خوشحال نیست. این بار آمدن کاروان نوید فصل شکوهی است که عظمت‌اش آدمی را به گریه می‌اندازد. به یمن آمدن این کاروان نگاهی می‌اندازیم به دو شعر که برای نخستین بار چاپ و منتشر می‌گردد. نادیده ماندن این دو مرثیه تا کنون جای تعجب دارد. با مختصر توضیحی در مورد اثر و شاعر، اشعار آورده می‌شود تا شما نخستین خوانندگان این اشعار باشید.

کتابخانه و مراکز اسناد در ایران مخازنی هستند بزرگ از اسناد و نسخی که سال‌ها است انتظار پژوهشگران را می‌کشند. در این میان برخی موارد اهمیت بیشتری دارند. دیوان یوسف خان گرجی یکی از بسیار منابعی از این دست است. عصر قاجار با تمام فراز و فرودهایش دوره ادبی خاص خود را داشت. دوره‌ای که به دلیل دوری از سبک هندی و بازگشت به سبک خراسانی و عراقی آن را «دوره بازگشت» نامیده‌اند. دیوان یوسف خان نمونه کامل و جامعی است برای شناسایی و معرفی سبک شعری این دوره و این امر دیوان مذکور را شایسته تصحیح می‌نماید. این نسخه از نظر بررسی‌های تاریخی نیز بی‌اهمیت نیست.

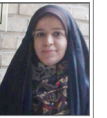
یوسف خان گرجی از شاعران گرجی تبار ایران است. او در حدود سال ۱۲۱۹ هجری قمری در گرجستان متولد شد. در ۱۲۲۶ هـ ق. از خانواده جدا گردید و به حالت اسارت به ایران آورده شد. قریحه شاعری در او به مانند بسیاری از هم‌تبارانش زیاد بود و از این رو به شاعری روی آورد. اگر چه به طور



## نگاهی بر دوره‌ی دکترا در غرب

فاطمه رحمانی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه تربیت مدرس



هدف بیشتر دانشگاه‌های اروپا و آمریکا آماده سازی دانشجویان برای انجام پژوهش و فعالیت‌های آموزشی می‌باشد؛ در زیر به چند نمونه از هدف‌های بیان شده اشاره می‌شود:

- دانشگاه الینویز - آماده سازی دانشجویان برای عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها
- دانشگاه تکزاس - آماده سازی دانشجویان برای فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی
- دانشگاه شیکاگو - تربیت اساتید نسل آینده
- دانشگاه میشیگان - آماده سازی دانشجویان برای کارهای تحقیقاتی و آموزشی در سطح دانشگاه
- این نمونه‌ها جزء دانشگاه‌های تراز اول اروپا و آمریکا می‌باشند. آنگونه که این اهداف نشان می‌دهد شغل اصلی فارغ التحصیلان دوره‌های دکتری عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌باشد.
- تعریف دقیق هدف این دوره موجب می‌شود که منابع اقتصادی به صورت بهینه صرف دوره دکتری شود و افرادی وارد این دوره شوند که هدف اصلی آنها عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها باشد یا از قبل عضو هیئت علمی باشند.

### مدت دوره

تقریباً در تمام دانشگاه‌های اروپا و آمریکایی مدت دوره دکتری در حدود ۴ تا ۵ سال است که از نظر طول زمان با مدت دوره دکتری در ایران یکسان است. به طور معمول یک سال از این دوره به رساله دکتری اختصاص می‌یابد. طول دوره زمانی دکتری در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا با ایران یکسان است اما از نظر نحوه استفاده

در تمام دانشگاه‌های اروپا و آمریکایی مدت دوره دکتری در حدود ۴ تا ۵ سال است که از نظر طول زمان با مدت دوره دکتری در ایران یکسان است. به طور معمول یک سال از این دوره به رساله دکتری اختصاص می‌یابد. طول دوره زمانی دکتری در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا با ایران یکسان است اما از نظر نحوه استفاده از این زمان تفاوت‌های ماهوی

وجود دارد. در برخی دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، دوره‌ی دکتری تمام وقت است و در چهار ترم و نیم در طول سال ارائه می‌شود. دانشگاه‌های شیکاگو (دوره ۵ ساله) میشیگان (دوره ۵ ساله) لویزیانا (دوره ۴ ساله) اوهایو (دوره ۴ ساله) و نیویورک در بوفالو (دوره ۴ تا ۵ ساله) از جمله دانشگاه‌هایی هستند که دوره‌ی دکتری آنها تمام وقت است.

پژوهش‌ها بهره‌مند شود؛ در واقع هر رساله پژوهشی باید بر مبنای یکی از مشکلات کشور تنظیم شده و رابطه‌ای عمیق و اثربخش بین بخش صنعت/ دولت و دانشگاه وجود داشته باشد تا هم دانشجو و دانشگاه احساس مسئولیت در مقابل کشور را داشته باشد و خود را مسئول حل مشکلات کشور بدانند و هم بخش‌های صنعتی و دولتی کشور به دانشگاه اعتماد کرده و دانشگاه را اولین و مهمترین قطب مشورتی خود برای تصمیم‌گیری‌ها بدانند.

منبع: موسی بزرگ اصل و همکاران، مقایسه دوره دکتری حسابداری در دانشگاه‌های ایران با دانشگاه‌های اروپا و آمریکا.

**سرفصل‌های آموزشی نیز در کشور ما دچار نوعی رخوت و رکود است و گاه مشاهده می‌شود یک سر فصل آموزشی چندین سال بدون تغییر باقی مانده است در حالی که شایسته است سرفصل‌های آموزشی به صورت دوره‌ای و مرتب بازبینی و به روز شده و بر اساس نیاز کشور و سطح پیشرفت علمی جهانی مجدداً تنظیم شود. نحوه‌ی ارزیابی دانشجویان نیز تغییر اساسی با دانشگاه‌های اروپایی و اروپا و آمریکایی دارد؛ در کشور ما سنجش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز مانند دانشجویان کارشناسی و بر اساس آزمون پایان ترم انجام می‌شود؛ در حالی که سنجش مهارت و سواد در این سطح باید به صورت جامع‌تر و کیفی‌تر انجام شود.**

به تقلید از کارهای پژوهشی انجام شده در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا می‌کشاند و ویژگی اصلی بدیع بودن کار را مخدوش می‌کند. از طرف دیگر باید به فرایند جذب دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز اشاره کرد؛ در دانشگاه‌های ایران شاخص‌های دقیق و درستی برای جذب این دانشجویان وجود ندارد. این در حالی است که جذب دانشجوی تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا دارای شاخص‌های دقیق و مرتبط با هر رشته تحصیلی است.

سرفصل‌های آموزشی نیز در کشور ما دچار نوعی رخوت و رکود است و گاه مشاهده می‌شود یک سر فصل آموزشی چندین سال بدون تغییر باقی مانده است در حالی که شایسته است سرفصل‌های آموزشی به صورت دوره‌ای و مرتب بازبینی و به روز شده و بر اساس نیاز کشور و سطح پیشرفت علمی جهانی مجدداً تنظیم شود.

نحوه‌ی ارزیابی دانشجویان نیز تغییر اساسی با دانشگاه‌های اروپایی و اروپا و آمریکایی دارد؛ در کشور ما سنجش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نیز مانند دانشجویان کارشناسی و بر اساس آزمون پایان ترم انجام می‌شود؛ در حالی که سنجش مهارت و سواد در این سطح باید به صورت جامع‌تر و کیفی‌تر انجام شود.

تفاوت عمده دیگر در تعیین موضوعات رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد می‌باشد؛ شایسته است که موضوعات این فعالیت‌های پژوهشی براساس نیاز کشور و سطح سواد و علاقه دانشجو تعیین شود تا هم دانشجو از عمر پژوهشی خود لذت برده و هم کشور از نتیجه این

در اغلب موارد انجام می‌شود. ارائه‌ی درس‌ها به صورت سمینار نیز خود به مهارت آموزشی کمک می‌کند.

### ارزیابی پیشرفت تحصیلی

نکته مهم دیگری که در این بررسی مشخص شد، تنوع و استمرار ارزیابی پیشرفت دانشجویان در طول دوره تحصیلی است. نمونه‌هایی از این ارزیابی به شرح زیر است:

#### • دانشگاه تکزاس A&M

کمیته سیاست‌گذاری عملکرد هر دانشجو را در پایان سال اول و دوم بررسی می‌کند. این بررسی بر مبنای نمره‌های دانشجو و پرسشنامه تکمیل شده توسط اساتید است.

#### • دانشگاه بستن

هر دپارتمان در پایان سال پیشرفت تحصیلی دانشجو را بررسی و پیشنهاد لازم را ارائه می‌کند.

#### • دانشگاه راتجزز

در پایان سال دوم در ماه می از دانشجویان آزمون تعیین صلاحیت به عمل می‌آید.

### امتحان جامع و رساله

تقریباً همه دانشگاه‌ها دارای امتحان جامع می‌باشند و هدف آن ارزیابی توان عمومی دانشجو برای انجام کارهای تحقیقاتی است. فرایند انجام رساله دکتری نیز در همه دانشگاه‌های اروپا و آمریکا وجود دارد و از نظر شکل تقریباً مشابه آن چیزی است که در ایران انجام می‌شود.

اما تفاوت اساسی از لحاظ محتواست. کار پژوهشی در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا از طریق یک برنامه آموزشی قوی پشتیبانی می‌شود و به همین دلیل توان پژوهشی دانشجویان برای انجام رساله دکتری بالا می‌باشد. ضعف دوره آموزشی در دوره دکتری در ایران، دانشجویان و اساتید را لاجرم

از این زمان تفاوت‌های ماهوی وجود دارد. در برخی دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، دوره‌ی دکتری تمام وقت است و در چهار ترم و نیم در طول سال ارائه می‌شود. دانشگاه‌های شیکاگو (دوره ۵ ساله) میشیگان (دوره ۵ ساله) لویزیانا (دوره ۴ ساله) اوهایو (دوره ۴ ساله) و نیویورک در بوفالو (دوره ۴ تا ۵ ساله) از جمله دانشگاه‌هایی هستند که دوره‌ی دکتری آنها تمام وقت است.

### برنامه آموزشی

در برخی دانشگاه‌ها تعداد واحدهای دوره دکتری بسیار زیاد است. مثلاً در دانشگاه ویرجینیاتک (Virginia teck) برنامه دکتری ۹۰ واحد دارد.

شاید یکی از دلایل این وضعیت الزامی نبودن مدرک کارشناسی ارشد برای ورود به برخی دانشگاه‌ها باشد. اما متوسط واحدهای درسی و آموزشی در حدود ۶۵ واحد است. در همه دانشگاه‌های اروپا و آمریکا برنامه‌های آموزشی هم در قالب سمینار و هم به صورت تدریس برگزار می‌شود.

### مقاله پژوهشی

در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا و آمریکا، دانشجویان ملزمند علاوه بر مقاله‌های توصیفی، یک کار پژوهشی انجام داده و نتایج آن را قالب مقاله ارائه کنند. در ایران مقالات دانشجویان بیشتر به صورت تالیفی یا ترجمه‌ای می‌باشد. در برخی دانشگاه‌ها تعداد مقالات بیشتری لازم است. مثلاً در دانشگاه میشیگان علاوه بر دو مقاله پژوهشی، هر دانشجو باید در هر سال دو مقاله تالیفی نیز تهیه کند.

### سابقه آموزشی

در برخی دانشگاه‌های اروپا و آمریکا دانشجویان ملزمند در طول دوره دکتری خود، چند واحد نیز تدریس داشته باشند. این مورد در ایران نیز

## ویژه برنامه‌های دهه اول محرم



دین مطالب خود را ارائه نمود. پس از سخنرانی، مراسم عزاداری ابا عبدالله (علیه السلام) و یاران باوفای آن حضرت با نوای مداح اهل بیت کربلایی علی عشرتی برگزار شد. در پایان مراسم سخنرانی، عزاداری و نوحه‌سرایی که با استقبال دانشجویان اعم از استادان، دانشجویان و کارکنان همراه بود، عزاداران میهمان سفره احسان حسینی شدند.

در ابتدای این مراسم که هر شب بعد از نماز مغرب و عشاء برگزار می‌گردد، حاضرین پس از اقامه نماز به خواندن زیارت عاشورا و عرض ادب به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء ابا عبدالله (علیه السلام) می‌پردازند. سپس مجلس سخنرانی در زمینه حماسه عاشورا و ابعاد آن ادامه می‌یابد. سخنران شب گذشته حجت‌الاسلام درانی بود که در موضوع نهضت عاشورا و بقای

## بازدید رئیس دانشگاه از نمایشگاه هفته دفاع مقدس



شده. این نشان دهنده‌ی عزم و اراده‌ی راسخ و ایمان قوی این شهید بزرگوار است. این مقام و درجه معنوی را هر کسی کسب نمی‌کند سمیه اهوراکی دانشجوی دکتری علوم قرآنی و حدیث دانشگاه و همسر شهید مدافع حرم جواد اله کرم نیز در سخنانی گفت: شهدا همواره دغدغه‌ی دفاع از انقلاب و اسلام و پایبندی به آرمان‌های امام شهدا را داشتند. شهدای مدافع حرم که برخی از آنها دوران انقلاب را ندیدند و در واقع بچه‌های زمان جنگ بودند، به دلیل طرز تفکر و بصیرتی که از آن برخوردار بودند، راهشان را انتخاب کرده و در نهایت به هدف خود و این مقام والا رسیدند. در ادامه این بازدید رسول هوشمند فرمانده حوزه مقاومت بسیج کارکنان دانشگاه ضمن همراهی و ارائه توضیحات در خصوص نمایشگاه از حضور هیأت رئیسه تقدیر و تشکر کرد.

دکتر محمد تقی احمدی و اعضای هیأت رئیسه دانشگاه با حضور در نمایشگاه هفته دفاع مقدس که در محل درب اصلی دانشگاه برپا شد، ضمن بازدید از تمامی غرفه‌های نمایشگاه، در دیدار با سمیه اهوراکی دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه و همسر شهید مدافع حرم «جواد اله کرم» از مقام شامخ این شهید بزرگوار تجلیل کرد. رئیس دانشگاه از شهدای مدافع حرم به عنوان ناجیان بزرگ مردم مسلمان منطقه نام برد و افزود: شهدای بزرگوار مدافع حرم در واقع ناجیان ملل و مردم مسلمان منطقه از خطر فتنه‌های گسترده تکفیری و انحرافات دینی هستند. این شهیدان از جان گذشته تنها شهید در راه وطن نیستند، بلکه شهید در راه اسلام به معنی جهانی آن می‌باشند. وی با تأکید بر اینکه از توصیف مقام والا و گرانقدر شهدا عاجز است، در خصوص شهید جواد اله کرم گفت: همانگونه که همسر شهید اله کرم اشاره کرد، این مدافع بزرگوار حرم با وجود اینکه ۳ بار در جبهه مجروح شده بود باز بر حضور در برابر دشمنان اسلام اصرار داشته و به جبهه‌های نبرد با باطل بازگشت تا به درجه رفیع شهادت نائل

## دو عضو هیأت علمی به عنوان دانشمندان یک در صد برتر جهان

بر اساس این گزارش و با استناد به داده‌های منتشر شده در پایگاه طلایه‌داران علم جهان (ESI) تامسون رویترز در ماه سپتامبر ۲۰۱۶، دکتر سعید مینایی، دانشیار گروه مهندسی مکانیک بیوسیستم و دکتر یعقوب فتحی‌پور، استاد گروه حشره شناسی کشاورزی، هر دو از دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس در زمره یک درصد برتر دانشمندان جهان قرار گرفتند. گفتنی است پایگاه استنادی طلایه‌داران علم تامسون رویترز بر اساس فعالیت علمی ده سال اخیر پژوهشگران، به ارائه فهرستی از دانشمندان و نخبگان علمی برتر جهان می‌پردازد و هر ماه یکبار، این اطلاعات به روزسانی می‌شود.

دکتر فتحی پور



دکتر مینایی



## متن پیام دکتر علی فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس در پی کسب این موفقیت:

با سلام و تحیت

شکوفایی دانش مرهون همت بلند کسانی است که از آسایش جسمانی خود در راه کمال انسانی دست کشیده‌اند. در همین راستا، قرار گرفتن شما را در بین یک درصد برتر دانشمندان و نخبگان علمی جهان تبریک گفته و سرافرازی و موفقیت روزافزون شما را در تمامی مراحل زندگی از درگاه ایزد متعال مسئلت دارم.

با آرزوی توفیق  
علی فلاح رفیع

رئیس دانشگاه در جشن دانشجویان ورودی جدید:

## با برنامه ریزی صحیح دوران تحصیل خود را مدیریت کنید



دکتر احمدی رئیس دانشگاه ضمن خیر مقدم به دانشجویان جدید اظهار داشت: مقطع تحصیلات تکمیلی شروع یک زندگی جدیدی برای همه شماست و شما می‌توانید با کمک استادان و اساتید راهنما، آینده خود را در این سال‌ها ترسیم کنید و این دوره تجربه موفقیت از مفهوم دانش پژوهی، پرسشگری و نظم و برنامه ریزی در زندگی برای شما باشد. وی در بخش دیگری از سخنان خود ضمن گرامیداشت هفته دفاع مقدس اظهار داشت: دفاع مقدس تجربه بسیار بزرگ تاریخ ایران بود. تجربه‌ای که ایران اسلامی توانست با کمک جوانانی همچون شما و با ایمان راسخ به مکتب الهی بزرگترین تهدید سیاسی، نظامی و اقتصادی را با توانمندی و اقتدار از سر بگذرانند و امنیت و پیشرفت و امید به آینده‌ای که امروز در جامعه ایران می‌بینیم دستاورد همان دفاع مقدس است. دفاع مقدس ما را بیمه کرد و به ما عزت نفس، توانمندی و اعتماد به نفس داد که بتوانیم با سختی‌ها مقابله کرده و موفق شویم. وی خاطر نشان کرد: دانشگاه تربیت مدرس یک دانشگاه تحصیلات تکمیلی موفق و بی‌نظیر است اما به اندازه کافی در ذهن دانشجویان دوره کارشناسی شناخته شده نیست. این دانشگاه تنها دانشگاهی است که پس از انقلاب برای ایجاد استقلال علمی تأسیس شد و با موفقیت‌های درخشان خود طی ۳۵ سال اخیر موفق

شد به تراز رتبه دوم دانشگاه‌های جامع کشور دست یابد. دکتر احمدی با اشاره به ماموریت دانشگاه تربیت مدرس خاطر نشان کرد: ما در آستانه بلوغ آموزش عالی هستیم و در حال حاضر به تربیت مدرس اکتفا نمی‌کنیم و مهمترین ماموریت دانشگاه، پیشبرد علم و فناوری است و در عین حال دوره‌های آموزش مدرسی نیز در دانشگاه برگزار می‌شود. وی همچنین برگزاری جلسات هفتگی با استادان، عضویت در انجمن‌های علمی دانشجویی و تسلط به زبان تخصصی و مطالعه مقالات و کتب تخصصی به زبان اصلی را به دانشجویان توصیه نمود. وی در پایان اظهار داشت:

## رتبه سوم دانشگاه تربیت مدرس در جشنواره علمی نظم و امنیت

آن را در حوزه مربوطه شاهد باشیم. فرمانده ناجا با تأکید بر اینکه باید به سمت تحقیقات کاربردی گام برداریم، ادامه داد: پژوهش‌های ما بایستی برای نیروهای مسلح به خصوص نیروی نظامی مشکل گشا باشد.

فرمانده ناجا، مقالات و موضوعات انتخاب شده برای برترین‌های یازدهمین جشنواره تحقیقات غیرصنعتی نظم و امنیت را مطلوب دانست و ادامه داد: موضوعات تحقیقات علاوه بر بروز بودن بایستی از اثربخشی و گشایش برخوردار باشد تا تاثیر مثبت

سردار حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی اظهار داشت: برگزاری این جشنواره حرکت خوبی بود و نشانگر تعامل و همکاری محققان و پژوهشگران علمی درون سازمانی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی است.

اشتری فرمانده ناجا، سردار فتحی زاده جانشین معاون هماهنگ کننده ناجا، سردار آخوندی جانشین معاون هماهنگ کننده ستاد کل نیروهای مسلح ۲۹ شهریورماه در سالن کوثر ستاد ناجا معرفی شدند و با اهدای لوح از آنان تقدیر شد.

دانشگاه تربیت مدرس در یازدهمین جشنواره علمی نظم و امنیت در سال ۹۵ از میان مراکز و موسسات پژوهشی همکار رتبه سوم را از آن خود کرد. برترین‌های یازدهمین جشنواره علمی نظم و امنیت و همچنین جشنواره مالک اشتر با حضور سردار

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس

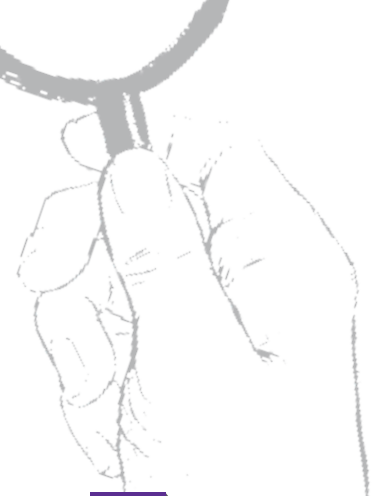
صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس  
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع  
سردبیر: مرتضی فاضلی  
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام  
مدیر اجرایی و ویراستار: سوبابه شجاعی  
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله  
مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.  
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.  
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



# ذره بین



۱. مسئولین به فکر باشن. یه بالشتی چیزی؟! اینجور که بنده خدا خوابیده فکر کنم دیگه گردن و کمر نموند، داداش پاشو الان نوبت میرها؟! دوباره باید بیای اینجا بخوابی تا نوبتت بشه.  
۲. غرغه چشمه. مگه داریم؟! مگه میشه؟! یه سایبونی چیزی. مغزمون پوکید به خدا!  
۳. دنبال سوژه بودم تو دانشگاه. خودش میومد تو دوربین؟! انگار دوست داشت سوژه این هفته ما بشه.  
۴. صف چای و شربت. یه دو تا کلمن دیگه بود به نظرم اینجور مشکلات پیش نمیومد؟!  
۵. روز ثبت نام ورودی‌های امسال، فارغ از هر چیزی مشغول مطالعه و علم آموزی. از بیکار نشستن جلو ساختمان آموزش بهتره. بله اینجور یاس از این دانشجویان نمونه هم داریم.

۶. خوشا آنان که دائم در نمازند... این نیروی زحمت کش خدمات نماز اول وقت را همین جابریا کرد...  
۷. این ماشین که خیلی وقت است اینجا خاک می‌خورد نیاز مبرم به شستشو دارد... لطفا بررسی شود!  
۸. دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما چیست یاران طریقت بعد از این تدبیر ما روی خوب آیتی از لطف بر ما کشف کرد زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما حافظ  
۹. اینم جعبه خالی گلدونای کانون قرآن. که الان یکیشم رو میز خودمه! جمله زیبا و حدیث بنویس یا رای بده گلدون جایزه بگیر.

سلام  
لطفا آهسته حرکت کنید.  
اینجا پره از سوژه‌هایی که دور و برمون می‌بینیم و گاهی راحت و گاهی ناراحت از کنارشون رد میشیم. اما این دفعه از این خبرا نیست. شماها قراره سوژه‌هاتون رو برا ما بفرستید اینجا تا بلکه برسد به جایی و به کسی! دانشگاه پر از این سوژه‌هاست لطفا سوژه‌هاتون رو با ما تقسیم کنید. ارادتمندیم!

